

نشریه انجمن علمی-دانشجویی زبان انگلیسی

# آفاق الدولۃ



بهار ۱۴۰۳..... شماره ۱



نام نشریه: آفاق الدوله  
صاحب امتیاز: انجمن علمی زبان انگلیسی مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند  
آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال، کوچه ناییب، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند  
شماره مجوز: ۱۵۰/دم آ تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱  
استاد مشاور: سرکار خانم دکتر سمیه عدیلی  
مدیر مسئول: نیلوفر زارعی  
سر دبیر: زهرا چشم براه  
هیئت تحریریه: دکتر زینب امیری، دکتر سمیه عدیلی، لیلا فراهانی نژاد مقدم، موزان نهرجو، ندا صالحی،  
زهرا شجاعی، زهرا چشم براه، سارا قدیمی  
گرافیکست و صفحه آرا: زهرا چشم براه  
با سیاست از معاونت فرهنگی دانشجویی: سرکار خانم زکیه موسوی، سرکار خانم دکتر رضیه اکرمی و  
سرکار خانم فاطمه طایفی

راه ارتباطی: [tajmah.afaq@gmail.com](mailto:tajmah.afaq@gmail.com)

«حق چاپ محفوظ است.»



# فهرست مطالب

- سخن سردبیر ..... ۳
- سوره‌ی فاتحه همراه با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی از دکتر طاهره صفارزاده ..... ۴
- تاج‌ماه آفاق‌الدوله / نگارنده: دکتر زینب امیری ..... ۵
- مصاحبه با دکتر فرزانه فرحزاد (استاد تمام مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی) ..... ۷
- زبان زنان / مترجم: لیلا فراهانی نژاد مقدم ..... ۱۳
- دکتر طاهره صفارزاده: شاعر، نویسنده، نظریه‌پرداز، محقق، مترجم و استاد دانشگاه / نگارنده: دکتر سمیه عدیلی ..... ۱۶
- چگونه یادگیری زبان ذهن شما را تغییر می‌دهد/ مترجم: سارا قدیمی ..... ۱۹
- همه چیز در مورد ترجمه‌ی کتاب و بازار نشر/ نگارنده: زهرا چشم‌براه ..... ۲۲
- فناوری در خدمت دانشجویان روشنفکر / نگارنده: زهرا شجاعی ..... ۲۴
- تبحر در هنر ترجمه: نگاهی دقیق‌تر به مهارت‌های لازم/ مترجم: ندا صالحی ..... ۲۷
- روش‌های تدریس زبان خارجی به کودکان برای مکالمه‌ی روان/ مترجم: موزان نهرجو ..... ۳۲
- نکات ویرایشی / نگارنده: سارا قدیمی ..... ۳۶
- معرفی کتاب‌های چاپ شده‌ی دانشجویان مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند ..... ۳۸

## سخن سردبیر

نشریه‌ی علمی-دانشجویی آفاق‌الدوله به صاحب امتیازی انجمن علمی مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند، با تمرکز بر چهار شاخه‌ی گروه زبان انگلیسی (ادبیات، آموزش زبان، مترجمی و زبان‌شناسی) فعالیت خود را در این عرصه آغاز نموده است.

چینش مطالب این نشریه بر اساس ابعاد مختلف حوزه‌های مورد بحث در شاخه‌های یادشده، به ویژه مسائل مرتبط با زنان است (چنانکه که از اسم نشریه پیداست) و تلاش بر این است که بیشتر به مطالبی پرداخته شود که کمتر نشریه‌ای به آن پرداخته است تا علاقه‌مندان با موضوعات جدیدتری آشنا شوند.

همچنین باعث افتخار است که توفیق یافته‌ایم بستری را فراهم کنیم تا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان شاخه‌های مختلف زبان انگلیسی بتوانند مطالب خود را در این نشریه عرضه کنند و راجع به مسائل متفاوت مرتبط با این حوزه قلم بزنند تا هم برای آن‌ها و هم برای مخاطبان جذابیت بیشتری به وجود بیاید و چراغ راهی در مسیر تعلیم و تعلم شود. در نهایت از خداوند متعال سپاسگزاریم که به ما فرصتی داده است تا در یاسداشت علم بکوشیم و برای گسترش آن تلاش کنیم.



# سورة الفاتحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٣﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

Fātiha

(The Opening Surah of the Holy Book)

In the Name of Allāh

The Merciful Beneficent (1)

The worshipers' thanksgiving and

Adoration is due only to Allāh:

The Creator & Nurturer of the worlds

[And their inhabitants]; (2)

The Merciful Beneficent; (3)

[And] The Absolute Sovereign of

The Day of Judgement. (4)

[O, our Creator & Nurturer!] You alone

Do we Worship, and Your Aid alone do

We seek; (5)

Please do guide us to the Straight Path: (6)

The path of those upon whom you

Bestowed the blessing [of salvation], not

[The path] of those [who due to their

Denial of the Truth] were inflicted by

Your Wrath, nor those gone astray. (7)

سورة فاتحه

به نام خداوند بخشندهی رحمتگستر (۱)

شکر و ثنا [ی بندگان]، خاص خداوند است آن

آفریدگار-پروردگار جهانها و [جهانیان] (۲)

آن نعمت بخشندهی رحمتگستر (۳)

آن یگانه فرمانروای روز جزا (۴)

[آفریدگار-پروردگارا] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو

یاری می طلبیم؛ (۵)

[به لطف و کرمات] ما را به راه راست هدایت فرما؛ (۶)

راه آنانی که نعمت [رستگاری] را به آنها عنایت

فرمودی نه آنان که به [واسطه انکار حق] به غضب

الهی گرفتار شدند و نه راه گمراهان. (۷)

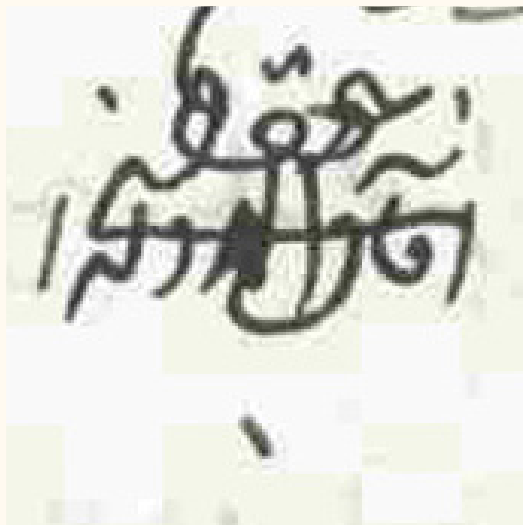
مترجم: دکتر طاهره صفارزاده

# تاج ماه آفاق الدوله

نگارنده: دکتر زینب امیری، دانش آموخته‌ی مقطع دکتری ترجمه، دانشگاه علامه طباطبایی

انتخاب نام تاج‌ماه آفاق‌الدوله برای عنوان نشریه‌ی دانشجویی در حوزه‌های مختلف رشته‌ی زبان انگلیسی از جمله ترجمه و مطالعات ترجمه انتخابی، بس وزین و هوشمندانه به نظر می‌آید؛ نخستین زن مترجم مسلمان ایرانی بیشتاز، بسیار اثرگذار ولی ناپیدا<sup>۱</sup> (در معنای ونوتی‌گونه‌ی آن) یا کم‌پیدا.

شوربختانه، آنچه درباره‌ی بانو تاج‌ماه می‌دانیم، بسیار ناچیز است و بیشتر مربوط به نوشته‌ها و ترجمه‌هایش است تا اوضاع و احوال شخصی خودش. وی فرزند علی‌اکبرخان آجودان‌باشی، اصالتاً زنجان، است که از نظامیان صاحب‌نام عصر قاجار بوده است. برادر تاج‌ماه، میرزا ابراهیم‌خان امیرتومان، نیز دستی در ترجمه داشته است و نمایشنامه‌ی ضحاک اثر سامی بیک عثمانی را در ۱۲۸۳ شمسی ترجمه و چاپ می‌کند (مرادی و بزرگمند، ۱۴۰۱ صص. ۱۲-۱۳). درباره‌ی تاریخ تولد تاج‌ماه چیزی نمی‌دانیم. یقیناً در دو یا سه دهه‌ی پیش از انقلاب مشروطه‌ی ۱۲۸۵ شمسی به دنیا آمده است، چراکه تاریخ چاپ اثر معروفش، یعنی ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی نادرشاه به ۱۲۸۴ شمسی برمی‌گردد (مرادی و بزرگمند، ۱۴۰۱، ص. ۱۳). در این دهه‌ها، شورش‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی مختلفی در جریان بود که آتش احساسات استقلال‌خواهی، ضدامپریالیستی و استعمارگری مردم ایران را هر دم شعله‌ورتر می‌کرد؛ از شورش تنباکو و شورش نان گرفته تا اعطای امتیاز نفت به ویلیام ناکس داری در ۱۹۰۱ میلادی و بسیاری موارد دیگر. تاج‌ماه نیز که در خانواده‌ای نظامی و تحصیل کرده به دنیا آمده بود، از این اوضاع آگاه و دغدغه‌مند آن است؛ نمود آن را در چینش و زبان ترجمه‌هایش می‌بینیم.



تاج‌ماه نه تنها در میان ما کم‌پیدا، یعنی کم‌شناخته، است، بلکه خودش نیز خود را کم‌پیدا، یا پنهان، می‌کند. این نکته را می‌توان به‌وضوح در شیوه‌ی معرفی خودش در مقدمه‌ی نسخه‌ی خطی ترجمه‌ی نادرشاه دید: «...کمینه تاج‌ماه آفاق‌الدوله، همشیره آقای اسمعیل‌خان آجودان‌باشی عیال فتح‌الله‌خان ارفع‌السلطنه این کتاب تیاتر ترجمه‌ی نریمانوف را از زبان ترکی به پارسی ترجمه نموده، اگر سهو و غلطی دیدید، امید است ببخشید.» (به نقل از مرادی و بزرگمند، ۱۴۰۱، ص. ۱۲). در این معرفی، تاج‌ماه بیشتر از آنکه صدای خود باشد، صدای مردان زندگی‌اش است و از آن‌ها می‌گوید و این همان سلطه‌ی فرهنگ مردسالارانه در زندگی زن ایرانی آن دوران است. البته این کم‌پیدایی برآمده از فرهنگ اجتماعی زمانه‌اش است، دوره‌ای که فرحزاد (۲۰۱۷)، آن را دوره‌ی حضور پنهان<sup>۲</sup> زنان در عرصه‌ی اجتماع می‌داند. حال، همین ویژگی کم‌پیدایی تاج‌ماه

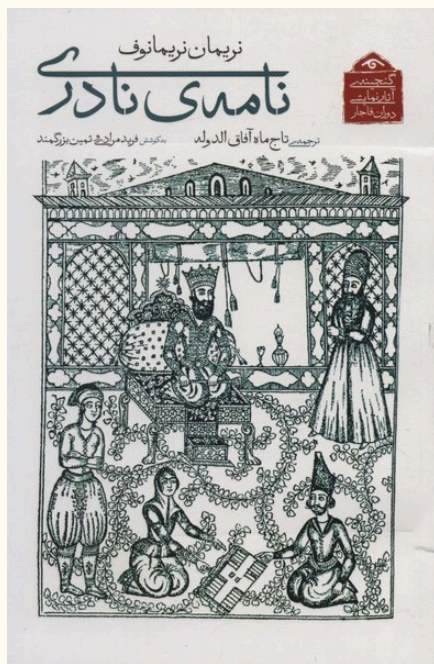
موجب ویژگی بارز دیگرش شده است؛ پیشرویی و بیشتازی. به نظر، جذاب‌ترین وجهه‌ی تاج‌ماه پیشرو بودنش در عرصه‌ی زندگی اجتماعی و فرهنگی ایران آن دوران است؛ در دوره‌ای که باز به بیان فرحزاد (۲۰۱۷، ص. ۴) سواد داشتن نزد خیلی از افراد، نوعی کالای لوکس به حساب می‌آمد، تاج‌ماه قلم به دست می‌گیرد و نمایشنامه‌ی نادرشاه اثر نریمانوف را از زبان ترکی به فارسی ترجمه و چاپ می‌کند.

1) Invisible

2) Hidden Presence



انتخاب این نمایشنامه به لحاظ زبان اصلی اثر و مضمونش، خود کنش ترجمه‌ای آگاهانه است؛ آن‌طور که گلیون (۱۳۶۶) می‌گوید، تا پیش از ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی نادرشاه از زبان ترکی، همه‌ی آثار نمایشی ترجمه‌شده به فارسی از زبان فرانسه و عمدتاً آثار مولیر بودند (گلیون، ۱۳۶۶، ص. ۲۲۱). اما تاج‌ماه نخستین مترجمی است که دست به ترجمه از زبانی می‌زند که نزدیکی فرهنگی بیشتری با مردم کشور خودش دارد و این اتفاق ارزشمندی در تاریخ ترجمه‌ی نمایشنامه در ایران است. نریمان نریمانوف (۱۸۷۰-۱۹۱۲ م.)، نویسنده‌ی نادرشاه، نیز از جمله نویسندگان معروف قفقاز بود که آثار ادبی‌اش به لطف حضور و نفوذ فرهنگ ایرانی، بسیار مورد توجه مردم ایران بود (گلیون، ۱۳۶۶، ص. ۲۲۱). پس مشخص است که تاج‌ماه بینش و آگاهی ادبی و سیاسی بالایی داشته و منفعلانه ترجمه نمی‌کرده است؛ به تعبیر ترجمه‌پژوهان، وی عاملیت<sup>۱</sup> ترجمه‌ای قابل توجهی داشته است. همچنین به لحاظ مضمون، این نمایش‌نامه که در دوران مشروطیت ترجمه شد، سروصدای زیادی کرد و در شهرهایی مانند رشت و تبریز به اجرا درآمد (مرادی و بزرگمند، ۱۴۰۱، ص. ۱۱). مضمون و زبان دراماتیک آن کاملاً با روح وطن‌دوستی و بیگانه‌ستیزی زمانه‌ی خود همسو بود. نادرشاه شخصیت اصلی نمایشنامه که ابتدا پیشه‌ی راهزنی و قتل و غارت داشته است، یک‌باره به ترغیب دای‌اش تصمیم می‌گیرد که «از این پس شمشیر در راه وطن» بردارد (نامه‌ی نادری، ص. ۴۶). در جایی از نمایشنامه، جواد، دایی نادر چنین داد از مبارزه برای وطن‌دوستی می‌زند: «در راه وطن شمشیر زدن، نیکوکاری و خشنودی خداست، هرگاه دخمه‌ی استخوان‌های نیاکان‌مان را از دست دشمن برهانی، یک کاری است که ایران از تو خشنود خواهد بود...» (نامه‌ی نادری، ص. ۴۶).



از نگاهی فراتر، بانو تاج‌ماه بسیار پیشرو است، وی سال‌ها پیش از آنکه نخستین نشانه‌های جنبش زنان در ایران پیدا شود و اولین نشریات و انجمن‌های زنانه به دست بانوانی همچون بانو کحال، بانو مریم عمید مزین‌السلطنه و بسیاری دیگر در ایران بعد از انقلاب مشروطه شکل بگیرند، شجاعت اجتماعی خود را با ترجمه به فعلیت می‌رساند و نام خود را در تاریخ ثبت می‌کند.

پس امید است این نشریه بکوشد برای پیدا شدن ترجمه و مترجم، به‌ویژه زنان مترجم، در عرصه‌ی فرهنگ و اجتماع.

مرادی، فرید و بزرگمند، تمین. (۱۴۰۱). نامه‌نادر/ نریمان نریمانوف؛ ترجمه‌ی تاج‌ماه آفاق‌الدوله. نشر کتاب دیدآور. گلیون، محمد. (۱۳۶۶). نمایشنامه‌ی نادرشاه. فصلنامه‌ی تئاتر ایرانی، ۱ (۲-۳). ۲۲۳-۲۲۵.

Farahzad, F. (2017). Women translators in contemporary Iran. In L. Von Flotow and F. Farahzad (eds.). *Translating Women* (pp. 3-16). Routledge.

1) Agency

# مصاحبه با دکتر فرزانه فرحزاد

## (استاد تمام مطالعات ترجمه، دانشگاه علامه طباطبایی)

- لطفاً یک بیوگرافی کوتاه از خودتان بگویید و بفرمایید چگونه وارد این حیطه شدید و در چه زمینه‌هایی فعالیت کردید.

من دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی از مدرسه‌ی عالی ترجمه هستم. کارشناسی ارشد را در رشته‌ی آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه شهید بهشتی و دوره‌ی دکتری را نیز در رشته‌ی آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبایی گذراندم. زمانی که شروع به ترجمه کردم سن‌ام خیلی کم بود چون به مدرسه‌ی دوزبانه رفته بودم و تحصیل دوزبانه داشتم، بنابراین همه فکر می‌کردند هر کس توانایی صحبت در یک زبان خارجی را دارد پس می‌تواند ترجمه هم بکند. به همین دلیل همه نوع ترجمه‌ای انجام می‌دادم، از ترجمه برای خانواده و فامیل گرفته تا ترجمه‌هایی که خارج از فضای خانه و مدرسه انجام می‌دادم و در ازای آن مزد کمی دریافت می‌کردم. رفته رفته موقعیت کاری برای ترجمه خیلی بیشتر شد، بنابراین وارد حرفه‌ی ترجمه شدم و ترجمه‌ی شفاهی هم‌زمان انجام می‌دادم، ترجمه کتبی هم می‌کردم و در پروژه‌های تحقیقاتی نیز به عنوان مترجم شرکت می‌کردم. ورود به دانشگاه جهت تدریس را در واقع مدیون یکی از استادانم هستم که در دوره‌ی کارشناسی ارشد به من گفتند: «چه کار می‌کنی؟»

گفتم: «تو فلان مؤسسه‌ی بین‌المللی کار می‌کنم»

گفتند: «کارت چیه؟»

گفتم: «ترجمه»

گفتند: «اونجا اصلاً اعتباری نداره برای چی می‌خوای اونجا بمونی؟ تو می‌تونی بیای دانشگاه درس بدی.»

گفتم: «فکرشو نکرده بودم»

گفتند: «خب پس الان بیا!»

بنابراین از کار قبلی بیرون آمدم و وارد دانشگاه شدم. اول شروع به تدریس انگلیسی پایه برای رشته‌های پزشکی و مهندسی کردم و همینطور در خارج از دانشگاه کار ترجمه انجام می‌دادم، به خصوص فارسی به انگلیسی که تقاضا برای آن در بازار زیاد بود و تعداد افرادی هم که این کار را انجام می‌دادند، کم بودند. بعد هم رشته‌ی مترجمی تأسیس شد. دوست نداشتم تدریس انگلیسی پایه را ادامه بدهم و دوست داشتم که حتماً ترجمه درس بدهم، چون در زمینه‌ی ترجمه تجربه داشتم. وقتی وارد آموزش ترجمه شدم متوجه شدم که به ابزار و اطلاعاتی نیاز دارم که به هیچ‌کدام دسترسی ندارم.

دوست نداشتم تدریس انگلیسی پایه را ادامه بدهم و دوست داشتم که حتماً ترجمه درس بدهم، چون در زمینه‌ی ترجمه تجربه داشتم. وقتی وارد آموزش ترجمه شدم متوجه شدم که به ابزار و اطلاعاتی نیاز دارم که به هیچ‌کدام دسترسی ندارم.



یکی از همکاران من، آقای دکتر صادقیان، در دهه‌ی 60 شمسی از آمریکا آمده بودند و دکتری زبان‌شناسی کاربردی داشتند و کتابی از نایدا را با عنوان *The Theory and Practice of Translation* به من معرفی کردند. من این کتاب را ورق زدم و متوجه شدم که این کتاب بسیار خوبی است اما متأسفانه چیزی از آن را متوجه نمی‌شوم؛ به این علت که این کتاب، کتابی زبان‌شناختی بود. در واقع در دسته‌ی زبان‌شناسی کاربردی طبقه‌بندی شده بود ولی محتوای آن مربوط به ترجمه بود و در آن زمان، در طبقه‌بندی شاخه‌های زبان‌شناسی، سه شاخه‌ی کاربردی برای رشته‌ی زبان‌شناسی در نظر گرفته شده بود: آموزش زبان انگلیسی، ترجمه و فکر کنم فرهنگ‌نگاری. به دلیل اینکه می‌خواستم ترجمه درس بدهم آقای دکتر صادقیان گفتند این کتابی است که برای زبان‌شناسی کاربردی در آمریکا خواندند. پس من هم با دقت بسیار و با کمک همکاران زبان‌شناس‌ام، این کتاب معرفی شده را خواندم و توانستم بعداً از آن کتاب، در دوره‌هایی که تدریس می‌کردم استفاده کنم. کتاب «نخستین درس‌های ترجمه» که سال 1369 چاپ شد و بیش از صد هزار نسخه هم از این کتاب تا کنون فروخته شده است، مطالبش مقداری قدیمی هست، اما فصلی به نام تحلیل دستوری بر اساس نایدا دارد و به همین دلیل این کتاب هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبنای این بخش همان آموزشی بود که به خودم دادم و از همکارانم کمک گرفتم تا کتاب نایدا را به خودم بیاموزم. این آغازی شد برای این که بفهمم برای آموزش ترجمه نیاز هست که بیش از آن چه که فکر می‌کردم نظریه بدانم، مدل بشناسم و روش‌ها را بیاموزم.

اما در سال 1370 یا 1371 که مصادف بود با دهه‌ی 90 میلادی، اسم رشته‌ی مطالعات ترجمه با دیاگرام هولمز آمده بود. او اسم این رشته را *Translation Studies* گذاشته بود. همزمان با این اتفاقی که تازه داشت در دهه‌ی 90 شکل می‌گرفت، در دانمارک مجله‌ای چاپ شده بود به اسم *Perspectives in Transatology* و بعد سال‌ها *Transatology* را با *Translation Studies* جایگزین کردند. کلی صحبت شد سر این مسأله که کسانی انگلیسی زبان نیستند به این رشته چه بگویند و بالاخره یک توافق کلی و نانوشته به وجود آمد که همه از هولمز پیروی کردند و این رشته شد *Translation Studies* و مطالعات ترجمه، اما آموزش ترجمه راه دیگری رفت.

- با توجه به صحبت‌هایی که کردید علاقه‌ی بسیار زیادی به ترجمه داشتید و مقالات و کتاب‌های زیادی نوشتید، با توجه به این مسأله چگونه منابع مربوط به این حوزه را پیدا می‌کردید؟

راستش را بخواهید خیلی سخت بود! در اوایل، در دهه‌ی 60، بسیار سخت بود. من فقط همان کتاب نایدا را داشتم و یک نمایشگاه کتاب سالانه که وزارت ارشاد و وزارت علوم با هم تدارک می‌دیدند و ما کتاب‌هایی را که به ترجمه مربوط بود، می‌گرفتم. بعد از انقلاب، برای ترجمه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و... نیازی در تربیت مترجم به وجود آمد و همه جا هم این رشته تدریس می‌شد و استادان به صورت تجربی آن را تدریس می‌کردند. اولین کنفرانس خارجی که برای مطالعات ترجمه رفتم، در سال 1990 بود که با تعدادی از همکاران دانشگاه علامه طباطبایی به دانمارک رفتم و انگار با دنیای متفاوتی آشنا شدم. برای مثال یک ورکشاپ برای *subtitling*<sup>2</sup> گذاشته بودند، من اصلاً نمی‌دانستم که *Subtitling* هم می‌تواند جزء ترجمه به حساب بیاید! در آن زمان مفهوم ترجمه این قدر مثل الان گسترده نبود. با این اطلاعات، وقتی شروع به جمع کردن منبع کردیم، متوجه شدم، روش آموزش به خودم، رفتن به کنفرانس‌های خارجی است. اینجا هم خیلی کنفرانس برگزار می‌شد و همه از دانشگاه‌های مختلف سراسر کشور با هم تبادل نظر می‌کردند. اما نمی‌شد با یک مقاله به تمام کنفرانس‌های خارجی رفت، پس هر دو یا سه سال یک بار کنفرانس می‌رفتم، زیرا مقاله نوشتن هیچ وقت برای من کمتر از سه سال طول نکشید! به هیچ وجه! هرگز! به هر حال در کنفرانس‌هایی که در خارج از کشور داشتم با بقیه تبادل نظر می‌کردم و متوجه شدم این فقط ما نیستیم که در حال کشف این رشته‌ی جدید هستیم، بلکه بقیه هم مثل ما هستند. این رشته همینطور در حال پیشرفت و رشد بود، چون در حال سفر به جوامع مختلف بود، چون ترجمه علمی است که همه جا، همه کس، همه سطح و رشته‌ای با آن سر و کار دارد. از طرف دانشگاه علامه طباطبایی در کتابخانه‌های مختلف عضو می‌شدم و کتاب برای دانشگاه تهیه می‌کردم که پول را خود دانشگاه می‌داد، هر وقت هم که نمی‌داد خودم به نحوی کتاب‌ها را تهیه می‌کردم. در نتیجه، این کتاب‌ها را به ایران می‌آوردم و این کتاب‌ها زیرا کس می‌شدند و در مدت کوتاهی، شاید چهار سال، ما کتابخانه‌ای زیراکسی در اتاق من داشتیم و بعدها آن را به اتاق مدیر گروه منتقل کردیم، پس ما به این شکل به منابع دسترسی پیدا می‌کردیم.

1) Nida

۲) زیرنویس گذاری در فیلم



در آن دوره بر خلاف امروز، این همه دسترسی وجود نداشت، کسی پرنتر نداشت، اصلاً کسی لپ‌تاپ نداشت، اصلاً در دهه‌ی 90 میلادی کسی در خانه‌اش کامپیوتر نداشت و اگر هم کامپیوتری وجود داشت برای سازمان‌ها بود. اما می‌شد یک سری فعالیت‌ها را انجام داد، مثلاً اطلاعات یا کتاب‌ها را داخل دیسک می‌ریختیم.

- به عنوان یک زن چگونه به موفقیت کنونی رسیدید؟

در واقع زندگی برای یک زن که می‌خواهد هم آکادمیک و هم حرفه‌ای باشد، هم کسب استقلال هویتی بکند، هم برای خودش درآمد مستقل داشته باشد و در عین حال وظایف مادری و خانوادگی‌ای را که جامعه و فرزندانش از او توقع دارند انجام دهد، بسیار سخت است. زیرا در فضای خانه تعریف شده‌اید اما در زندگی بیرون از خانه، امروزه زن‌ها تعریف پیدا کرده‌اند، قبلاً این تعریف بارز و روشن نبود. من وقتی وارد دانشگاه شدم نمی‌دانستم که باید مقاله بنویسم. البته همکارهای مرد هم مثل من نمی‌دانستند. پس در این فضا احراز هویت حرفه‌ای و احراز هویت آکادمیک بسیار دشوار است به دلیل اینکه شما در رقابتی دائمی قرار دارید که البته فقط برای زن‌ها نیست، برای مردها هم هست، منتها مردها وظایف خانوادگی‌شان نسبت به زن‌ها زمان کمتری می‌گیرند هرچند که ممکن است مسئولیت‌هایشان بزرگتر باشد، پس آن‌ها وقت پرداختن به کارهایی را دارند، که مادرها ندارند.

- نظر شما در مورد این باور که «ترجمه فرعی و دست دوم است» چیست؟

این گفته‌ی کسانی است که معتقدند «اصل» غیر قابل جایگزینی است. کسانی این حرف را زده‌اند که موضع ادبیاتی خاصی دارند. آن‌ها به متن مبدأ متن اصل می‌گویند و هر چیزی که غیر از متن اصلی باشد متن فرعی است و می‌گویند هر چیزی که فرعی است هیچ وقت ارزش اصلی را ندارد. مبدأ آن متن است و هر چیزی که از آن متن صادر می‌شود، غیر واقعی است.

- آیا با ترجمه‌ی یک متن اصالت آن مخدوش می‌شود؟

بستگی دارد که ما چه تعریفی از اصالت بکنیم، تصور کنید که داستان رستم و سهراب به انگلیسی ترجمه شود آیا این به شاهنامه صدمه می‌زند، یا به فردوسی صدمه می‌زند؟ اگر بخواهید از یک نگاه بسیار پساساختارگرایانه نگاه کنید می‌گویید هر ترجمه‌ای نوعی تفسیر است و هر تفسیری یعنی شکافتن متن مبدأ، یعنی چه؟ یعنی از اصالت متن کاستن و بر اصالت آن تأثیر گذاشتن. اگر ما بخواهیم در این حد فلسفی نگاه کنیم، حتی خواندن متن، چه برسد به ترجمه، هم باعث شکافتگی متن از هم می‌شود که دریدا و اندیشه‌ورزان پیرو او به آن شالوده‌شکنی گفته‌اند. اما ما باز هم این نگاه را داریم که اگر چیزی ترجمه نشود، شهرت جهانی پیدا نمی‌کند، اگر چیزی ترجمه نشود، توزیع جهانی نمی‌شود، پس چگونه مردم فردوسی یا سعدی را با این سابقه در ادبیات ما بشناسند پس اگر اینگونه نگاه کنیم، ترجمه باعث غنای متن مبدأ می‌شود و باعث می‌شود آن متن شناخته شود. حتی اگر بد ترجمه شود آن متن و اسم آن نویسنده در جهان طنین انداز می‌شود.





- در ترجمه‌ی شعر، صورت مهم‌تر است یا معنا؟

بستگی دارد که هدف ما از ترجمه‌ی شعر چه باشد. مثلاً می‌بینیم که آقای انجوی شیرازی داستان‌های شاهنامه را به زبان ساده برای کودکان بازنویسی می‌کند. داستان همان است اما ایشان زبان را ساده کردند. هدفشان این بوده است که بچه‌ها را با یک فرهنگ غنی کهن آشنا کند و بچه‌ها بیاموزند که ما همچنین بزرگانی در ادبیات فارسی داشتیم. زمانی هست که من می‌خواهم ترجمه کنم که نشان دهم حافظ این‌طور وزن و قافیه را رعایت می‌کرد، حافظ این‌طور استعاره‌سازی می‌کرد و باید فکر کنم که آیا فرم برای من اولویت دارد یا معنا. بالاخره فرم و معنا به هم وابسته‌اند این‌طور نیست که از هم جدا باشند این را از دکتر نجومیان در مورد فرم و معنا نقل می‌کنم که می‌گفتند:

خدا کشتی آنجا که خواهد برد

برد کشتی آنجا که خواهد خدا

کلمات همان کلمات هستند، اما دو جور گفته می‌شود، دو آرایش مختلف دارد و تأکید معنایی‌شان متفاوت می‌شود. فرم‌های شعری در هیچ دو زبانی مثل هم نیستند. فرض کنید که شعر مدل هایکو در ادبیات ژاپنی، هر کلمه نباید بیشتر از هفت سیلاب باشد. یک محاسبه ریاضی دارد اما چون سنت هم دارد ابزارش را هم دارد. ما این سنت را نداریم پس اگر ما هایکو را به فارسی ترجمه کنیم، فرم آن اولین چیزی است که از بین می‌رود چون نمی‌توانیم به هایکو ترجمه کنیم، ما هایکو نداریم. از سوی دیگر در ترجمه‌ی فارسی به انگلیسی، مثلاً، رباعی با فرم بسیاری از گونه‌های شعری زبان انگلیسی سازگار نیست. پس باید چه کار کنند؟ برای مثال فیتزجرالد از خودش قافیه ساخت و این‌ها را مقفی ترجمه کرد. به قدری درگیر این فرم رباعی شد که در نتیجه مجبور شد در معانی از خیام فاصله بگیرد. پس فیتزجرالد می‌خواست فرم را نشان دهد. بنابراین، ترجمه‌ی ما با توجه به هدف ما می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً یک شعر روسی هست برای تربیت کودکان، و به انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده و آقای شاملو آن را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. یک شعر یک جلدی با عنوان «زنده باد آب» که آقای شاملو در دهه‌ی 50 شمسی چاپ کرده است.

در واقع این شعر در مورد پسری است که اتاق آشفته‌ای دارد و راوی در حال توصیف اتاق اوست :

*From my bed the blanket fled*

*And my sheet refuses to sit*

*And the pillow like a billow flew up and flew away*

و بعد ترجمه فارسی:

می‌دونی یتوم چیکار کرد؟ تا منو دید فرار کرد.

ملافه یه خورده ناز کرد بعد پر زد و پرواز کرد.

یتو دوید بالش رفت، ملافه و ناز بالش رفت.

شاملو هم فرم را حفظ کرده است هم معنا را، یعنی تا این اندازه با دست باز ترجمه کرده، و البته شاعر بودن ایشان هم در این نوع ترجمه بی‌تأثیر نبوده است. پس خیلی بستگی دارد که ما چه هدفی از ترجمه‌ی شعر داریم.

- چه روش‌هایی برای بهبود کیفیت ترجمه پیشنهاد می‌دهید؟ راهکارهای شما برای ارتقای سطح ترجمه در بازار چیست؟

این کار دانشگاه نیست. خیلی چیزها در کیفیت بازار ترجمه دخیل هست. کاری که ما می‌توانیم بکنیم این هست که به کسانی که حاضر هستند که آموزش ترجمه ببینند، روش‌های صحیح ترجمه کردن و آشنایی با انواع متن را به آن‌ها آموزش دهیم، نکات ویرایشی را به آن‌ها بیاموزیم و نوشتن به فارسی و انگلیسی را یاد بدهیم، همین‌طور نحوه‌ی جستجو در اینترنت و جستجو در مراجع و ... زیرا مترجم قبل از اینکه مترجم باشد باید محقق باشد. بنابراین با این توصیفات، ما به کسانی می‌توانیم آموزش بدهیم تا کیفیت ترجمه بهتر بشود، که حاضر هستند آموزش ترجمه ببینند.

1) Haiku

2) Fitzgerald

کسانی که حاضر نیستند، همین‌طور به سراغ ناشر می‌روند و یک مبلغ هنگفتی را به ویراستار پرداخت می‌کنند تا کتابی را که ترجمه کردند، چاپ کند، یا پول می‌دهند تا کتاب اول و دوم‌شان چاپ شود تا اسم‌شان در بازار معروف شود تا بعداً خودشان کتاب چاپ کنند. در فرآیند ترجمه‌ی کتاب، ناشر مهم است، بازار خیلی مهم است، مثلاً شما قسمتی از کتابی مثل ادبیات جهان را می‌خوانید و می‌خواهید ترجمه‌اش کنید و بعد از ۳ سال ترجمه، ناشر می‌گوید این موضوع مناسب بازار نیست. باید ببینید بازار امروز چه می‌خواهد. به طور کلی مردم، زیاد کتاب‌های خاص نمی‌خوانند؛ کتاب‌هایی که در حال حاضر عموم مردم می‌خوانند روان‌شناسی‌های انگیزشی است، مثلاً چگونه موفق شویم. چه کسانی ترجمه می‌کنند؟ کسانی که مثلاً چند ترم جایی زبان خوانند؛ البته استثناهایی وجود دارد. در نهایت بازار مشخص می‌کند، چون معیارها و استانداردهای ترجمه تغییر می‌کند. همه‌ی این‌ها در خدمت مصرف‌گرایی در جوامع است که خواننده‌ها را به مصرف‌گرایی بیشتر و بیشتر و بیشتر دعوت می‌کنند و همین‌طور به شما یک لیست تقاضا تقدیم می‌کنند تا آن‌ها را کامل کنید و وقتی نمی‌توانید به آن خواسته‌ها جواب بدهید، شما را مقصر می‌دانند که چرا به طور کامل و درست در خدمت این جامعه‌ی مصرف‌گرا نبودید. کتاب‌های ترجمه‌ی روان‌شناسی عامه در جای خود متقاضی زیادی دارند، اما ترجمه‌ی ادبیات سنگین، این روزها متقاضی بسیار کمی دارد، به این خاطر که مدل زندگی فرق کرده است، نه اینکه آدم‌ها کم هوش‌تر شده باشند.

- کیفیت تدریس رشته مترجمی زبان ایران در سه سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در مقایسه با کشورهای دیگر به چه صورت هست؟

بسیار عالی! به ضرس قاطع می‌گویم. کلاس‌های آموزش ترجمه‌ی عملی مثلاً در آلمان در دهه‌ی ۹۰ میلادی به این صورت بود که هر کس که می‌خواست وارد این دوره می‌شد و هر سال ۲۰۰۰ نفر متقاضی این رشته بودند که به این‌ها به جز زبان مادری‌شان، زبانی دیگری یاد داده می‌شد و بعد از امتحانات سال اول، حدوداً ۱۸۰۰ نفر کنار می‌کشیدند یا رد می‌شدند در نهایت سال چهارم، از ۲۰۰۰ نفر، حدوداً ۳۰ یا ۳۵ نفر به عنوان مترجم قبول می‌شدند و این تعداد ۳۰ یا ۳۵ نفر بی‌نظیر بودند. بعضی جاهای دیگر اینطوری بودند که در مؤسسات آموزشی، نه دانشگاه، دوره‌ی یک‌ساله یا دو‌ساله برای آموزش ترجمه می‌گذاشتند و در نهایت هم یک مدرک، که اسمش نه فوق دیپلم و نه فوق لیسانس بود، می‌دادند، که متقاضی، این دوره‌ی ترجمه را با موفقیت گذرانده است. برنامه‌های آموزشی بر اساس نیازهای یک جامعه طراحی می‌شوند. نیازهای ما اول انقلاب اینگونه تعریف شد: صدور ایدئولوژی و مذهب خودمان به کشورهای دیگر و بعد هم دریافت تکنولوژی و علوم و فنون جهان. پس این دو، هدف‌های مهمی بودند. وقتی که شروع به نوشتن برنامه‌ی مترجمی کردند و اولین برنامه‌ی مترجمی که بعد از انقلاب تصویب و در همه‌ی دانشگاه‌ها لازم الاجرا شد، برخلاف این دو هدف عمل کرد و تمرکز بر ترجمه‌ی ادبی بود. چرا؟ چون افرادی که این برنامه‌ها را نوشتند، فقط ترجمه ادبی را ترجمه می‌دانستند و ترجمه‌هایی مثل ترجمه‌ی اخبار را ترجمه نمی‌دانستند اما به اصرار بقیه، برنامه‌های دیگر هم اضافه شد. ترجمه‌ی ادبی هم ارزش خودش را داشت اما رفته رفته استادان متوجه‌ی بازار شدند، بازار شکل‌اش عوض شد. حالا *interpreting* آمده بود، همچنین دوبله و موضوعات دیگر. بعد از ۲۷ سال، در سال ۱۳۹۶ این برنامه بازبینی شد که من مسئولیتش را بر عهده داشتم. خانم دکتر احتشامی دستیار من بودند و همه‌ی همکاران دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین دانشجویان خوب دوره دکتری ترجمه در این دانشگاه که مشغول تدریس بودند، همه با من سهیم شدند. ما با ۶۰ استاد در نقاط مختلف ایران تماس گرفتیم که به ما کمک کنند. این کار بسیار دشوار بود، ایجاد برنامه‌ی جدید، قانع کردن کسانی که به سیستم‌های قدیمی‌تر عادت داشتند، پیدا کردن دروس و... کار را بسیار سخت کرده بود. با این حال، اعتقاد دارم آموزش ترجمه در ایران بی‌اندازه مسیر خوبی را طی کرده است و می‌کند. بی‌اندازه اعتقاد دارم کیفیت کار ما خوب هست، مثلاً زمانی که بچه‌های ما برای کنفرانس دادن به خارج از کشور می‌روند، بی‌اندازه می‌درخشند، چون کار را خوب یاد گرفته‌اند.

## - نظر شما در مورد زنان مترجم در دیروز، امروز و فردا چیست؟

در واقع دوره‌ی ترجمه‌ی زنان در ایران را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در تحقیقی بررسی کردم. حضور زن‌ها را در بازار ترجمه به سه دوره تقسیم کردم. یک دوره اسمش *hidden presence*<sup>۱</sup> است که زن‌ها ترجمه می‌کردند ولی دیده نمی‌شدند. مثلاً یکی با شوهرش از زبان فرانسوی چیزی ترجمه کرده بود و اگر می‌خواست خودش را معرفی کند، می‌گفت من فلانی هستم همسر کلنل فلان، دختر کلنل فلان... چون از خانه بیرون نمی‌آمدند که هویت اجتماعی داشته باشند. پس حضور داشتند اما به صورت *hidden presence* و بعد از آن یک *presence*<sup>۲</sup> داشتند که بحث برانگیز بود. به خاطر اینکه پهلوی اول به زن‌ها گفته بود که از خانه بیرون بیایند و به صورت بخشی از پروژه‌ی مدرنیزاسیون، زنان باید به جامعه بپیوندند و تحصیل کنند. خوب وقتی این زن‌ها به جامعه آمدند، کاری برایشان وجود نداشت، چون در سیستم اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی نشده بود. بنابراین برای هم، کلاس خیاطی، کلاس بچه‌داری و... می‌گذاشتند بعد انجمن زنان تشکیل دادند و...

اما از دوره‌ی *hidden* تا دوره‌ی پهلوی دوم، پیشرفت کردند و بعد نشریه تأسیس کردند، مجله داشتند و بعد به دانشگاه‌ها راه پیدا کردند، ولی هنوز ترجمه به صورت امروزه این شکل را نداشت. در واقع یک *controversy*<sup>۳</sup> به بیان دیگر، تفاوتی بین حضور در فضای خانواده و حضور در محیط آکادمیک و به تبع آن در فضای ترجمه کردن به وجود آمده بود، که نیاز بود متعادل بشود و این برای خانم‌ها خیلی سخت بود. در این حال، یکی از دلایل روی آوردنشان به ترجمه این بود که می‌خواستند از سوادشان استفاده کنند. نویسندگی در قیاس با مترجمی، آموزش‌های دیگری می‌خواهد. هر فرد دو زبان به خودش این اجازه را می‌دهد که مترجمی کند، حالا خوب یا بد معیارش بعداً معلوم می‌شود و بعد هم اینکه مترجمی به صورت یک شغل خانگی برای خانم‌ها قابل اجرا بود. در اروپا نوشتن به عنوان شغل خانگی وجود داشت، مثلاً خواهران پروتته برای اینکه کسی نوشته‌هایشان را نبینند، مجبور به پنهان کردن آن می‌شدند. اینجا به آن صورت نبود، اما یک تعارضی بین نقش سنتی و یک نقش خارج از خانه ایجاد شده بود، اما چون ترجمه کاری بود که می‌شد در خانه انجام داد، برای زن‌ها اولویت پیدا می‌کند. در عین حال، دوره سوم را هم در بررسی‌ام گذاشتم: دوره‌ی بعد از انقلاب. علت چه بود؟ علت این بود که بعد از انقلاب تعداد بیشتری از دختران و زنان به دانشگاه‌ها راه پیدا کردند و تخصص‌های دانشگاهی کسب کردند و شروع کردند به ترجمه در حوزه‌هایی از داستان و قصه و... و بعد هم در حوزه‌های تخصصی خودشان مثل پزشکی، اقتصاد و غیره دست به ترجمه زدند.

تفاوت بین نسل قبل و نسل امروز به راحتی قابل تفکیک نیست زیرا آماری از حوزه‌های علاقه و کیفیت ترجمه‌ی آن‌ها وجود ندارد و صحبت از تفاوت‌ها سخت است، مگر اینکه تحقیق بزرگتری انجام بشود، اما آن چیزی که می‌دانیم این است که از بعد از انقلاب، بعد از تأسیس دوره‌های رسمی ترجمه، بی‌تردید کیفیت ترجمه و آشنایی با جوانب ترجمه در جامعه بیشتر شده و زن‌ها نیز از این امر مستثنی نبودند. الان دوره‌ای است که زن‌ها در بازار ترجمه‌ی کتاب، حضور پررونی دارند. اما نقش زنان در آینده... فکر می‌کنم ترجمه دیگر دارد از این انحصار جنسیتی خارج می‌شود، شما می‌بیند که برای مثال کسی که زیرنویس فیلم‌ها را انجام می‌دهد، اسم مشخصی ندارد و متوجه نمی‌شوید که وی زن است یا مرد، اما او دارد به ترجمه و ترویج فرهنگ کمک می‌کند. بخش دیگر رمان‌هایی است که الان ترجمه می‌شود و اسم مترجم زن یا مرد بر روی آن ثبت می‌شود. به نظر من تفکیک جنسیتی در آینده‌ی نه چندان دور اهمیت چندانی نخواهد داشت.

عکاس: مریم آهی، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، موسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

(۱) حضور پنهان

(۲) حضور

(۳) مناقشه

# زبان زنان

## آیا زبان تفکرات ما را راجع به جنسیت شکل می‌دهد؟

مترجم: لیلیا فراهانی نژاد مقدم، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

### زبان محرمانه‌ی زنان

زبانی که با آن صحبت می‌کنیم، تفکرات ما را راجع به جنسیت و درک واقعیت شکل می‌دهد. بسیاری از مطالعات زبان‌شناختی نشان می‌دهند که گونه‌های متعددی از زبان، از جمله زبان زنان در جهان وجود دارد. زبان‌ها به [سه صورت] زبان‌های طبیعی (یا زبان‌های انسانی)، زبان‌های رسمی و زبان‌های مصنوعی وجود دارند. زبان‌های مصنوعی، اغلب برای سرگرمی یا اهداف کاربردی ایجاد و استفاده می‌شوند، مثل زبان اسپیرانتو.



در بین این زبان‌ها زبان‌هایی وجود دارد که زنان آن را خلق کرده‌اند یا اینکه برای زنان ابداع شده‌اند. مادران افراد مهمی در رشد زبان کودک هستند، تا حدی که برای صحبت درباره‌ی گویشور بومی زبانی خاص از [عبارت] «زبان مادری» استفاده می‌کنیم. با این حال، از دیدگاه یک زبان‌شناس، زبانی به نام «زبان مؤنث»، «زبان زنان» یا «زبان طبیعی جنس مؤنث» وجود ندارد.

### زبان زنان و تعصبات

به این نکته هم باید توجه کنیم که زبان ما تعصبات اجتماعی ما را منعکس می‌کند. چه اتفاقی می‌افتد اگر هیچ یک از زبان‌های موجود، زنان را قادر به بیان احساسات و عواطف درونی آن‌ها نکند؟ چه می‌شود اگر زنان نتوانند طرز فکر و نوع احساساتشان را بیان کنند به این دلیل که زبانشان فاقد کلمات مناسبی است که مقصود آن‌ها را برساند؟ یا به این دلیل که زبانشان نوع خاصی از اجتماع را توصیف می‌کند و نشان می‌دهد؟ به این بیاندیشید چگونه از زبانتان استفاده می‌کنید و اینکه آیا این زبان بیشتر، مردها را قادر به بیان افکار و احساساتشان می‌کند یا زنان را.

### زبان مادری به مثابه‌ی زبان زنان، از دیدگاه سوزت هیدن الجین

زبان‌شناس و نویسنده‌ی آمریکایی، سوزت هیدن الجین، در دهه‌ی ۸۰ میلادی به این موضوع پرداخت. او این نظریه را مطرح کرد که اگر زنان زبانی برای خودشان داشتند تا عقایدشان را بیان کنند، ممکن بود واقعیت را خیلی متفاوت‌تر از مردها بیان کنند. الجین از نظریه‌ی نسبیت زبانی برای ایجاد زبان زنانه‌ی خود استفاده کرد. او زبان «لادن» را به وجود آورد. لادن زبانی است که زنان در داستان سه بخشی علمی-تخیلی‌اش که «زبان مادری» نام داشت، به این زبان صحبت می‌کردند. در رمان‌های او، طرفداران حقوق زنان، زبان «لادن» را ایجاد می‌کنند

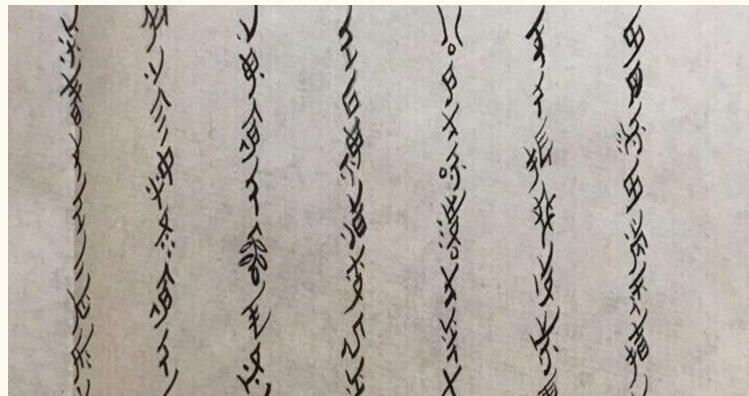
- 1) Esperanto
- 2) Suzette Haden Elgin
- 3) Linguistic relativity
- 4) Låadan
- 5) Native Tongue



تا نشانه‌ی ایستادگی در مقابل حکومتی سرکوبگر باشد که به زنان حق رأی نمی‌دهد. بر خلاف بسیاری از زبان‌ها که ساختار مذکر را ساختار معیار در نظر می‌گیرند، تمامی کلمات در «لادن» مؤنث هستند. هدف اصلی الجین ایجاد زبانی بر مبنای مفاهیم کاربردی بود. ایجاد این زبان به توصیف احساسات و شرایط مرتبط با زن بودن کمک می‌کرد.

### زبانی زنانه به نام نوشو<sup>۱</sup>

زبان دیگری که [خود] زنان آن را برای زنان خلق کردند، در چین به وجود آمد. این زبان «نوشو» نام دارد. نوشو روش نگارش ساده‌شده‌ای داشت که برای مردان قابل فهم نبود. زنان منطقه‌ی جیانگ-یون<sup>۲</sup> در استان هونان<sup>۳</sup> چین، نسل به نسل این زبان را منتقل کردند. این زبان یکی از قدیمی‌ترین زبان‌ها در دنیا و تنها زبان زنانه‌ای است که تاکنون شناخته شده است. محقق چینی، گانگ جابینگ<sup>۴</sup> اولین کسی بود که نوشو را کشف کرد. دانشجویان او که بنا داشتند فرهنگ و سنن دهه‌ی ۸۰ میلادی منطقه را کنکاش کنند، در سفر به جیانگ یانگ<sup>۵</sup> در استان هونان، نوشته‌های بسیار عجیبی را پیدا کردند که فقط زن‌ها نوشته بودند. نوشو در لغت به معنی «نوشته‌ی زنان» است.



### نوشو در کتاب رکوردهای جهانی گینس

به لطف همکاری‌های یان سشینگ<sup>۶</sup>، زبان‌شناس و مدرس، محققان موفق به جمع‌آوری نمونه‌هایی شدند که با خط خوش روی بادبزنها و دستمال‌ها نقش بسته بودند. آنها لغت نامه‌ای را جمع‌آوری کردند که حدود ۲۰۰۰۰ لغت و بیش از ۵۰۰ نویسه داشت.

دست‌نوشته‌ها به زبان نوشو، ابعاد هویت ملی، اجتماعی و تاریخی‌ای را نشان می‌دهد که درد، سرکوب و رنج زنان را از سده‌ی سوم قبل از میلاد مسیح تا اوایل قرن بیستم بیان می‌کند.

با وجود اینکه نوشو زبانی محرمانه بوده است چون فقط زنان آن را می‌نوشتند و می‌خواندند، به حیات خود ادامه داد و در فیلم‌های مستند و کتاب‌ها نمایش داده شد. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۵، به نام «خاص‌ترین زبان جنسیتی» در کتاب رکوردهای جهانی گینس ثبت شد. آخرین زنی که قادر به خواندن و نوشتن به زبان نوشو بود یانگ هوآن<sup>۷</sup> یی نام داشت که در سال ۲۰۰۴ از دنیا رفت.

1) Nüshu 女书

2) Jiang-yonh

3) Hunan

4) Gong Zhebing

5) Jyangyong

6) Yan Xuejiong

### زبان و برابری جنسیتی

همه‌ی این‌ها ما را به این فکر وا می‌دارد که چگونه زبان موجب شکل‌گیری الگوهای فرهنگی و نمودهای ذهنی یا کلیشه‌ها از دوره‌ای می‌شود که مردسالاری الگوی جامعه بود. مثلاً، جنبه‌ی وضعیت تأهل را در بعضی از زبان‌ها در نظر بگیرید. در ایتالیایی، فرانسوی و اسپانیایی، برای اشاره به زنی که متأهل نیست “signorina” یا “mademoiselle” یا “señorita” را به کار می‌برند. اما در هیچ یک از این زبان‌ها کلمه‌ای یافت نمی‌شود که همین معنی را درباره‌ی یک مرد برساند. علاوه بر این، کلمات متفاوتی را برای توصیف ویژگی‌های یکسان در زنان و مردان به کار می‌برند. مثلاً، در انگلیسی، وقتی سخن از رهبری کردن باشد، به زنان «رییس مآب» اما به مردان «رهبر» می‌گویند. گاهی اوقات، زبان تصویری از جامعه را نشان می‌دهد که در آن زنان وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری نسبت به مردان دارند. بنابراین، سؤال این است: آیا زبان آینه‌ی تمام‌نمای جوامع است، یا اینکه بر افکار ما تأثیر می‌گذارد و به آنها شکل می‌دهد؟

منبع سایت Lingo Star

<https://lingo-star.com/language-of-women/?v=4326ce96e26c>

# دکتر طاهره صفارزاده

شاعر، نویسنده، نظریه پرداز، محقق، مترجم و استاد دانشگاه

نگارنده: دکتر سمیه عدیلی، استاد مشاور انجمن زبان انگلیسی، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند



دکتر طاهره صفارزاده در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان دیده به جهان گشود. در ۶ سالگی تجوید، قرائت و حفظ قرآن را در مکتبخانه‌ی محل زندگی خود آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. پس از اخذ لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز، به تهران مهاجرت کرد و پس از چندی برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان و سپس به امریکا رفت و در دانشگاه آیووا در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و درجه‌ی MAF<sup>1</sup> را دریافت کرد (درجه‌ی MAF درجه‌ای است که به نویسندگان داوطلب تدریس در دانشگاه اعطا می‌شود و این افراد به جای پرداختن به تاریخ ادبیات و محفوظات، به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و اجرای پروژه‌های ادبی و مطالعات گسترده درباره‌ی آثار سایر نویسندگان و شاعران می‌پردازند).

دکتر صفارزاده پس از اتمام تحصیلات در خارج از کشور، به ایران بازگشت و در ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه ملی (شهید بهشتی) درآمد و پس از انقلاب اسلامی مدتی سرپرستی دانشکده ادبیات را بر عهده گرفت و طرح بازآموزی دبیران را اجرا کرد که از طرح‌های ضروری برای برطرف ساختن نقاط ضعف آموزشهای پیش از دانشگاه است. وی پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان علم، و برگزارکننده‌ی نخستین نقد علمی ترجمه در دانشگاه‌های ایرانی محسوب می‌شود و به سرپرستی ایشان برای نخستین بار برای کلیه‌ی رشته‌های علمی دانشگاه‌ها، کتاب‌های زبان تخصصی به زبان انگلیسی تألیف شد.

1) Master of Fine Arts

۲) طاهره صفارزاده، سایت قرآن پدیا

۳) طاهره صفارزاده، سایت دانشنامه الکترونیکی زنان

این بانوی فرهیخته نخستین شعرش را در ۱۳ سالگی برای روزنامه‌ی دیواری مدرسه سرود و در سال چهارم دبیرستان، اولین جایزه‌ی شعرش را که یک جلد دیوان جامی بود به پیشنهاد دکتر باستانی یاریزی که در آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش وقت استان کرمان دریافت کرد. اشعار ایشان سرشار از حس آزادی خواهانه، انقلابی و مذهبی است و با مضامینی عارفانه و وطن‌دوستانه سروده شده است؛ برخی از اشعار ایشان مانند اشعار فرخی یزدی و حمید سبزواری حاوی مضامین انقلابی، برخی دیگر مانند اشعار شفیع کدکنی حاوی مضامین اجتماعی و بعضی دیگر مانند اشعار علی‌اکبر ظریفیان در باب موضوعات مذهبی سروده شده‌اند. وی از شاعران صاحب سبک شعر نو فارسی است و مطالعات و تحقیقات ادبی ایشان منجر به معرفی سبک جدیدی از شعر با عنوان «طنین» در حوزه‌ی مقاومت و طنز سیاسی شد که برای حکومت سیاسی قبل از انقلاب خوشایند نبود.

این استاد برجسته اولین کسی در کشور است که ترجمه‌ای دوزبانه از قرآن کریم به انگلیسی و فارسی انجام داده است. این ترجمه در ۱۳۸۰ به چاپ رسید و پس از انتشار، دکتر صفارزاده به دریافت عنوان خادم القرآن مفتخر شد. ترجمه‌ی ایشان، ترجمه‌ای ساده و روان است و یکی از ویژگی‌های این ترجمه، قرار دادن هر دو ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی هر آیه رو به رو به هم در هر صفحه است، تا در برانگیختگی کنجکاوی خواننده در مطابقت ترجمه‌ی انگلیسی و فارسی در جهت آموزش قرآن کریم مؤثر باشد، علاوه بر این، او در پایان آیاتی که موضوع آنها در آیه‌ی بعد ادامه دارد، از نقطه ویرگول به جای نقطه استفاده کرده است تا پیوند معنای این آیات را به یکدیگر نشان دهد؛ وی در ترجمه‌ی متن قرآن، به متن مبدأ و ویژگی‌های ادبی و دستوری آن پایبند نبوده، بلکه به دنبال درک معنا و ارائه‌ی آن در قالب دستوری زبان مقصد بوده است تا ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی در زبان مقصد ارائه دهد.

ترجمه‌ی نهج البلاغه به فارسی و انگلیسی از دیگر آثار این استاد برجسته است، هرچند تنها بخش‌هایی از نهج البلاغه را به انگلیسی بازگردانده است. او در این گزیده، ماجراهای تاریخی را در نظر نگرفته، بلکه بیشتر دیدگاه‌های حضرت علی(ع)، اندیشه، اعتقاد و رهبری فکری ایشان در زمینه‌های مختلف را مورد توجه قرار داده است.<sup>۸</sup>

---

(۱) تحقیق زندگینامه طاهره صفارزاده و آثار او، سایت دانش‌چی / طاهره صفارزاده، سایت قرآن‌پدیا

(۲) گزیده اشعار طاهره صفارزاده، عاشقانه، مذهبی و انقلابی. نویسنده مائده قضاوی، سایت ستاره

(۳) طاهره صفارزاده، سایت قرآن‌پدیا

(۴) طاهره صفارزاده، سایت عصرزبان

(۵) طاهره صفارزاده، سایت ویکی‌شعبه

(۶) ویژگی‌های ترجمه قرآن صفارزاده/ مترجمی که دغدغه‌هایی از جنس خانواده داشت. سایت خبرگزاری

بین‌المللی قرآن

(۷) طاهره صفارزاده، سایت دانشنامه الکترونیکی زنان

(۸) طاهره صفارزاده، سایت مرکز اطلاع‌رسانی آل‌البیت





وی در مورد ترجمه‌ی نهج البلاغه می‌گوید:

«نامه‌ها و خطبه‌های موجود در نهج البلاغه به قدری ارزشمند و گرانبهاست که قصد داریم این مطالب را در معرض دید مخاطبان خارجی نیز بگذارم. ضمن اینکه تاکنون ترجمه‌ی دقیقی به زبان انگلیسی از کتاب نهج البلاغه در دست نداشته‌ایم.»<sup>۱</sup>  
دکتر صفارزاده در طول زندگی پر بار خود به افتخارات زیادی نائل آمد. در ۱۹۸۶ مسئولان برگزاری شعر داکا وی را به عنوان یکی از پنج عضو بنیانگذار کمیته‌ی ترجمه‌ی آسیا برگزیدند. در مارس ۲۰۰۶ و همزمان با برپایی جشن روز جهانی زن، «سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا»، ایشان را به عنوان شاعر، مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزید. در بخشی از نامه‌ی این سازمان آمده است:

«از آنجا که دکتر طاهره صفارزاده، شاعر و نویسنده‌ی برجسته‌ی ایرانی، مبارزی بزرگ و نمونه‌ی والای یک زن دانشمند و افتخار آفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه‌ی طولانی مبارزه و کوشش‌های علمی گسترده به عنوان شخصیت برگزیده‌ی سال جاری انتخاب کرده است.»<sup>۲</sup>

در ۱۳۷۱ وزارت علوم و آموزش عالی وی را استاد نمونه معرفی کرد و در نخستین جشنواره‌ی بین المللی شعر فجر در بهمن ۱۳۸۵ برگزیده‌ی بخش شعر نو (سپید و نیمایی) معرفی شد.<sup>۳</sup>

از دکتر صفارزاده بیش از ۱۴ مجموعه شعر، ۱۰ کتاب ترجمه یا نقد ترجمه در زمینه‌های گوناگون نظیر ادبیات، علوم قرآنی و حدیث برجای مانده و گزیده سروده‌های ایشان به چندین زبان برگردانده شده است. سرانجام این بانوی فرهیخته در ۴ آبان ۱۳۸۷ در بیمارستان ایرانمهر در اثر عارضه‌ی مغزی در سن ۷۲ سالگی در گذشت و پیکرش در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی

(۱) طاهره صفارزاده، سایت مرکز اطلاع‌رسانی آل البیت

(۲) طاهره صفارزاده، سایت دانشنامه الکترونیکی زنان

(۳) Afro-Asian Writers' Organization

(۴) طاهره صفارزاده، سایت پایگاه خبری شاعر

(۵) طاهره صفارزاده، سایت دانشنامه الکترونیکی زنان

# چگونه یادگیری زبان ذهن شما را تغییر می دهد؟

مترجم: سارا قدیمی، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند



افراد به دلایل متفاوتی زبانی جدید می‌آموزند، مثلاً برای تحصیل یا کار در کشوری دیگر، مهاجرت و یا صرفاً برای سرگرمی. جدای از انگیزه‌ها، بسیاری از دانشجویان متوجه می‌شوند که تجربه‌ی یادگیری زبانی جدید زندگیشان را غنی کرده است. اما آیا می‌دانید که زبان، مغز شما را در سطح جسمانی نیز تغییر می‌دهد؟ پژوهش‌های مختلفی بررسی کردند که چگونه یادگیری زبانی جدید در سنین مختلف می‌تواند تفاوتی در عملکرد مغز ایجاد کند. در ادامه به بررسی تأثیرات یادگیری زبان دوم بر مغز می‌پردازیم.

## یادگیری زبان از دیدگاه عصب‌شناسی

دانشمندان به مدت چند دهه روی افرادی که دو زبان را از زمان کودکی به صورت همزمان یاد گرفته‌اند، تحقیقاتی را انجام داده‌اند. آنها مشتاق بوده‌اند تا بفهمند چگونه روان صحبت کردن به دو زبان، در سطح شناختی روی افراد تأثیر می‌گذارد. با پیدایش تکنولوژی ام‌آر‌آی، اکنون، پژوهشگران می‌توانند به صورت تصویری تفاوت بین مغز افراد تک‌زبانه و دوزبانه را مشاهده کنند. مغز همه‌ی افراد از نورون تشکیل شده که دارای جسمی سلولی، و دندریت است که اتصال بین نورون‌هاست. به این بخش، «بافت خاکستری» می‌گویند. افراد دوزبانه در مقایسه با افراد تک‌زبانه تعدادی بیشتری از نورون و دندریت دارند. این به این معناست که بافت خاکستری این افراد مترکم‌تر است. دوزبانگی بر بافت سفید نیز تأثیر می‌گذارد؛ این بافت سیستمی متشکل از رشته‌های عصبی است که چهار لب مغز را به هم متصل می‌کند. این سیستم ارتباط بین بخش‌های مختلف مغز را هماهنگ می‌کند و به مغز در یادگیری و عملکرد یاری می‌رساند. یکپارچگی ماده سفید در بزرگسالان دوزبانه در مقایسه با بزرگسالانی که تنها به یک زبان صحبت می‌کنند، بیشتر بوده است. در واقع، تجربه‌ی آن‌ها در یادگیری زبان دوم، محفوظات شناختی آن‌ها را تقویت می‌کند.

## در مغز افرادی که بعداً زبانی جدید می‌آموزند چه اتفاقی می‌افتد؟

دانش‌آموزانی که در مراحل بعدی زندگی خود زبانی جدید یاد می‌گیرند، صرف نظر از اینکه در چه سطحی هستند، همچنان می‌توانند از برخی از تغییرات عصبی که برای گویندگان زبان دوم رخ می‌دهد، بهره‌مند شوند. داشتن تجربیات جدید (تازه) عامل مهمی در ایجاد ارتباطات جدید در مغز و تقویت پیوندهای سیستم عصبی است. این ارتباطات و پیوندها در تمرین‌های مداوم حفظ می‌شود.



1) Grey matter  
2) White matter

یادگیری زبانی جدید، تازگی و تمرین را به هم پیوند می‌زند. مثلاً، دانش‌آموزان کلمات و ساختارهای دستوری جدید را یاد می‌گیرند و به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری، وقت خود را صرف مرور و بازنگری دانش قبلی خود می‌کنند. این تلفیق، یکی از دلایلی است که یادگیری زبان، تمرین مغزی بسیار تأثیرگذاری به شمار می‌رود و از زبان‌آموزان مسن‌تر در برابر زوال عقل و دیگر وضعیت‌های عصبی زوال آفرین محافظت می‌کند. اما همه می‌توانند از یادگیری زبان سود ببرند. به‌یقین، یادگیری زبان یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های ذهنی است که می‌توان انجام داد. بنابراین، روش قدرت‌مندی برای تمرین دادن ذهن است.

### چگونه یادگیری زبان باعث ارتقای مهارت‌های دیگر می‌شود؟

با توجه به تأثیر قابل اندازه‌گیری یادگیری زبان بر مغز، جای تعجب نیست که این تغییرات فیزیکی با بهبود برخی مهارت‌های دیگر مانند ارتباط، خلاقیت، یادآوری و تمرکز همراه باشد.



### عملکرد تحصیلی بهتر

در بررسی فراتحلیلی<sup>۱</sup> ۲۰ پژوهش که یادگیری زبان و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی را بررسی می‌کرد، اکثر مطالعات (۹۰ درصد) نشان داد که زبان‌آموزان در طیف وسیعی از موضوعات تحصیلی، نسبت به دانش‌آموزانی که زبان دوم را مطالعه نمی‌کنند، عملکرد بهتری دارند. علاوه بر این، یادگیری زبانی دیگر، سواد دانش‌آموزان را افزایش و به آن‌ها در دروس پایه‌ای مانند ریاضی و علوم برتری می‌دهد.

### تمرکز بهتر

تنها یک هفته که از یادگیری زبان بگذرد، تأثیر مثبتی بر سطح هوشیاری و تمرکز دانش‌آموزان می‌گذارد. این پیشرفت با حداقل پنج ساعت زبان خواندن در هفته حاصل شد. علاوه بر این، این پژوهش شامل همه‌ی افراد بین سنین ۱۸ تا ۷۸ سال می‌شد و بهبود در دامنه‌ی توجه<sup>۲</sup> در همه‌ی گروه‌های سنی مشاهده شد. بنابراین، مطالعه‌ی یک زبان جدید، تمرکز دانش‌آموزان را بدون توجه به سن آن‌ها افزایش می‌دهد.

### حافظه‌ی قوی‌تر

مطالعه‌ی یک زبان مهارت‌های حفظ کردن (یادگیری کلمات و قواعد جدید) و همین‌طور یادآوری (اجرای فعالیت‌های زبان دوم در کلاس) را به کار می‌گیرد. پس جای تعجب ندارد که افرادی که به‌صورت مداوم از زبان دوم استفاده می‌کنند، حافظه‌ی قوی‌تری داشته باشند. در واقع، تحقیقات نشان می‌دهد، افرادی که به زبان دومی صحبت می‌کنند، نسبت به افراد تک‌زبانه، در آزمون‌های حافظه عملکرد بهتری دارند. تفاوتی ایجاد نمی‌کند که این افراد، زبان دوم را هنگام کودکی یا بزرگسالی آموخته باشند. به‌علاوه، یادگیری زبان، هم حافظه کوتاه‌مدت و هم بلندمدت را تقویت می‌کند.

### مهارت‌های ارتباطی قوی‌تر

در تحقیقات اولیه راجع به زبان، شواهدی یافت شد که نشان داد یادگیری زبان، همدلی [بین] افراد را افزایش می‌دهد. پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهد که همدلی، خصوصیت اصلی برای موفقیت در یادگیری زبان دوم است. صحبت کردن به زبانی دیگر، به دانش‌آموزان این توانایی را می‌دهد که مسائل را از نگاهی دیگر ببینند. این عمل به نوبه‌ی خود تأثیری مثبت بر مهارت‌های ارتباطی آن‌ها دارد. علاوه بر این، تمرین دادن مهارت‌های تحصیلی وابسته به یادگیری زبان، مثل مهارت شنیداری فعال، می‌تواند مهارت‌های ارتباطی زبان‌آموزان را در زندگی روزمره ارتقا دهد.

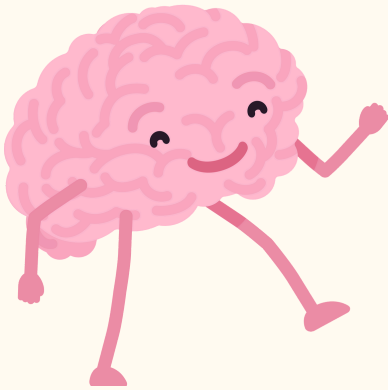
1) Meta-analysis

2) Attention span

## خلاقیت بیشتر

کودکان دوزبانه نسبت به کودکان تک‌زبانه، خلاقیت و انعطاف بیشتری در حل مشکلات از خود نشان می‌دهند. این حقیقت برای زبان‌آموزان زبان دوم نیز صادق است. پژوهشگران در پژوهش‌های مختلفی دریافته‌اند که یادگیری زبان، باعث بروز خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود که می‌تواند نتیجه‌ی فرآیندهای فکری وابسته به یادگیری زبان باشد. این موارد شامل ترجمه، تغییر زبان و مطالعه منظم، همراه با تمایل به یادگیری و سازگاری است.

مهارت‌های یادگیری زبان به زبان‌آموزان در تمام زمینه‌های زندگی کمک می‌کند، توانایی‌های ذهنی آنها را بهبود می‌بخشد و به آنها در حل مسئله و تصمیم‌گیری کمک می‌کند. در نهایت، همه اینها به تقویت روابط شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای آنها می‌انجامد. بنابراین، چه زبان‌آموز باشید، چه معلم زبان، هر بار که به زبان دوم صحبت می‌کنید، مهارت‌ها را می‌سازید، مغز خود را تمرین می‌دهید و محفوظات شناختی خود را ایجاد می‌کنید!



منبع: سایت کمبریج

[/https://www.cambridge.org/elt/blog/2022/04/29/learning-language-changes-your-brain](https://www.cambridge.org/elt/blog/2022/04/29/learning-language-changes-your-brain)



# همه چیز در مورد ترجمه‌ی کتاب و بازار نشر

نگارنده: زهرا چشم‌براه، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

اگر به ترجمه‌ی کتاب علاقه‌مند هستید اما نمی‌دانید که از کجا باید شروع کنید، این مطلب مختص شماست. در این مقاله در مورد مهارت‌های مورد نیاز مترجم و نحوه‌ی کار با ناشر صحبت می‌کنیم. ترجمه‌ی کتاب کاری به شدت چالشی است و لازمه‌ی آن دارا بودن توانایی‌های متعدد و تخصصی است و برای انجام آن باید از تمام اطلاعات مربوط به این حوزه آگاهی داشت که در ذیل به آن می‌پردازیم:



## مهارت‌های مترجم

شما باید اول به خودتان و بعد به ناشر ثابت کنید که توانایی‌های لازم برای ترجمه را دارید. باید متذکر شد و تأکید کرد که در امر ترجمه، آشنا بودن به زبان خارجی به تنهایی کافی نیست. مدام باید مطالعه کنید و سطح سواد خود را در زمینه‌های مختلف از جمله دانش زبانی (در مورد زبان مبدأ و مقصد)، اطلاعات عمومی و تخصصی، فنون ترجمه، فرهنگ جامعه‌ی مبدأ و مقصد و ... گسترش دهید. همچنین، ویراستاری از جمله مهارت‌های مهم در ترجمه است؛ سعی کنید دانش خود را در زمینه‌ی ویرایش بالا ببرید تا اشتباهات ویرایشی خود را به حداقل برسانید.

## ارتباط با ناشر

احتمالاً این سؤال برای شما هم پیش آمده است که چگونه باید با ناشران ارتباط برقرار کرد. برای این سؤال دو جواب وجود دارد که به هر دوی آن می‌پردازیم.

الف) ناشران برای جذب مترجم در زمینه‌ی مورد نیازشان، در بسترهای مجازی و غیرمجازی آگهی می‌گذارند و شما بعد از این اطلاع‌رسانی می‌توانید با ناشر تماس بگیرید، قرار ملاقات بگذارید یا رزومه‌ی خود را ارسال کنید.

ب) شما می‌توانید کتابی را که تا کنون ترجمه نشده است، با توجه به ضوابط و قوانین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب و سپس ترجمه کنید. در قدم بعدی ناشرانی را که حوزه‌ی فعالیت‌شان با موضوع کتاب شما مرتبط است پیدا کنید (بهترین فرصت برای این کار بازدید از نمایشگاه کتاب تهران است که سالانه در اردیبهشت برگزار می‌شود و یا اینکه با جستجو در اینترنت اطلاعات این ناشران را پیدا کنید)، سپس با این ناشران تماس بگیرید، قرار ملاقاتی تنظیم کنید و پس از رسیدن به توافق، برای امضای قرارداد فی‌مابین اقدام کنید.

### نحوه‌ی انتخاب مترجم

هر ناشری چارچوب خاص خود را برای انتخاب مترجم دارد. در بدو ورود، شما با ناشر و سرویراستار صحبت خواهید کرد و اگر ملاک‌های مورد نظرشان را داشته باشید، ترجمه‌ی کتاب مورد نظر به شما سفارش داده می‌شود. معمولاً ناشران ترجیح می‌دهند مترجمانی را انتخاب کنند که ویراستاری را در سطح حرفه‌ای بلد باشند.

### فرآیند قبل عقد قرارداد

معمولاً ناشران برای محک زدن مهارت مترجم (به خصوص مترجم تازه‌کار) از وی می‌خواهند بخشی از کتاب را جهت داوری ترجمه کند و این یکی از مهم‌ترین وظایف مترجم قبل از نوشتن قرارداد است و پس از آن مترجم باید زمان تقریبی برای اتمام پروژه‌ی ترجمه را به ناشر اعلام کند و این کار باید با ملاحظه و بررسی صحیح انجام شود زیرا که مترجم باید در نظر داشته باشد مطالعه در مورد موضوع کتاب، زمان‌بر خواهد بود.

### قرارداد و استخدام

شما می‌توانید به عنوان هیئت علمی، سرویراستار، مترجم دائم و... به استخدام آن انتشاراتی دربیایید. البته در نظر داشته باشید که مترجم‌ها معمولاً به صورت قراردادی کار می‌کنند و معمول نیست که استخدام شوند. اگر تصمیم گرفتید به صورت قراردادی با ناشری کار کنید، توجه کنید که قبل از امضای قرارداد حتماً کل مفاد آن را با دقت و موشکافانه مطالعه کنید تا در آینده مشکلی برای شما پیش نیاید. اگر با مسائل حقوقی آشنایی ندارید، پیشنهاد ما به شما این است که حتماً از یک مشاور حقوقی مشورت بگیرید.

### حقوق و دستمزد

مترجمان می‌توانند به دو روش حق‌الزحمه‌ی خود را دریافت کنند. روش اول به صورت درصدی است؛ به این شکل که دستمزد مترجم با محاسبه‌ی ده درصد قیمت پشت جلد (قیمت روز) ضرب در تیراژ در هر سری از چاپ پرداخت می‌شود و در چاپ‌های بعدی نیز به مترجم طبق همین فرمول حق‌الزحمه پرداخت می‌شود. اگر توانمندی مترجم در حدی باشد که کتاب ترجمه شده نیازی به ویرایش نداشته باشد پنج درصد به این ده درصد اضافه خواهد شد. (که البته این امر به ناشر بستگی دارد). باید یادآور شد که به ترجمه در زمینه‌هایی چون علوم و تکنولوژی درصد بیشتری تعلق خواهد گرفت و مترجمان معروف معمولاً درصد‌های بیشتری دریافت می‌کنند (۱۵ درصد). روش دوم به این صورت است که مترجم در ازای مبلغی توافقی کل اثر را به ناشر می‌فروشد و ناشر صاحب تمام امتیازات مربوط به اثر خواهد شد و در چاپ‌های بعدی حق‌الزحمه‌ای به مترجم تعلق نخواهد گرفت.

### بیمه

اگر ناشر شما را استخدام کند و شما بخشی از مجموعه‌ی او شوید، بیمه خواهید شد. این بیمه از نوع تأمین اجتماعی است و طبق قانون وزارت کار، بر اساس حقوقی که از کارفرما دریافت می‌کنید بیمه‌ی شما پرداخت می‌شود. نه درصد از حقوقی را که دریافت می‌کنید، خود شما باید به بیمه پرداخت کنید، کارفرما محاسبه می‌کند که بیست و یک درصد حقوق دریافتی شما چقدر می‌شود، سپس این مبلغ را خود کارفرما به بیمه پرداخت می‌کند. بنابراین اگر بیمه شوید، بخشی از بیمه را شما و بخشی دیگر را کارفرما پرداخت می‌کند.

# فناوری در خدمت دانشجویان روشندل

نگارند: زهرا شجاعی، دانشجوی روشن دل مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

سپاس خدای عزوجل را برای نعماتی که به رحمت بخشید

و

برای نعماتی که به مصلحت و حکمت بخشید

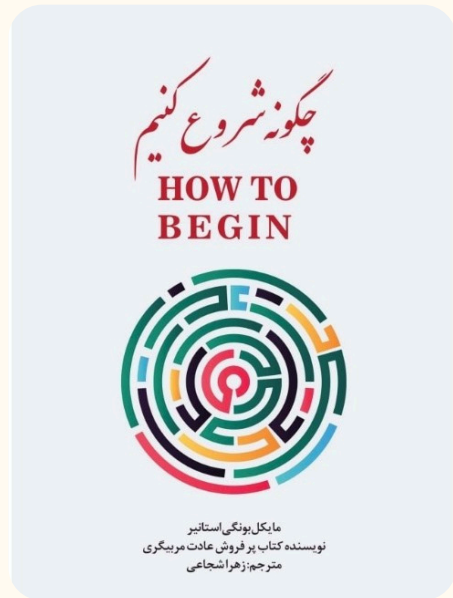


درس خواندن برای نابینایان با دشواری‌های زیادی همراه است. در گذشته، آنها برای مطالعه‌ی دروس خود از خط مخصوص (بریل) استفاده می‌کردند. هر پاراگراف کوتاه کتاب معادل یک صفحه بریل می‌شد و به دلیل قطر و سنگین شدن کتاب‌های بریل، بسیاری از کتاب‌ها به صورت صوتی برگردانده شدند. اما امروزه با پیشرفت تکنولوژی، نابینایان می‌توانند با استفاده از نرم‌افزارهای گویا از قبیل NVDA (صفحه خوان انگلیسی)، پارس‌آوا (صفحه خوان فارسی) و... از رایانه و حتی تلفن‌های هوشمند (لمسی) استفاده کنند. نرم‌افزارهای فوق، توانایی خواندن متون موجود در تمامی وب‌سایتها و همچنین مطالب ذخیره شده در فایل‌های *word, txt, pdf* و... را دارند و به علت کارکردهای مشابه و پیوند با یکدیگر در رایانه، همزمان نابینایان را قادر به خواندن متون فارسی و انگلیسی می‌سازد. به این طریق که با تایپ هر حرف یا کلمه، آن را به صورت صوتی می‌شنوند و روند آموختن برای آنها تسهیل می‌شود. با این حال، این نرم‌افزارها توانایی خواندن عکس و فایل‌های *pdf* عکسی یا اسکن شده را ندارند و این بزرگترین مشکل نابینایان در مقاطع مختلف تحصیلی است.

من نیز به دلیل نابینایی مطلق، از سوم ابتدایی درس‌هایم را با رایانه می‌خواندم. اما بخش اعظم مشکلاتم، وجود مطالب تصویری و کتاب‌های اسکن شده بود. برای مطالعه‌ی اینگونه مطالب، مجبور بودم با نرم‌افزارها و سایت‌های مختلف آنها را به متن تبدیل کنم. این کار زمانبر، سختی‌های خودش را داشت. زیرا در بیشتر مواقع فایل‌ها به صورت نامفهوم و نامنظم به متن تبدیل، و بعضاً مطالب جابه‌جا یا حذف می‌شدند؛ بنابراین برای خواندن و تنظیم آنها بایستی از یک فرد بی‌باکم می‌گرفتم. از کودکی به کتاب خواندن علاقه‌ی زیادی داشتم. حتی عکسی از دو ماهگی خود دارم که در حال مطالعه‌ی کتاب هستم! همچنین از پنج سالگی، برای عروسک‌هایم قصه می‌گفتم و مادرم آنها را در دفترچه‌های کوچکی یادداشت می‌کرد؛ در نهایت هنگامی که یازده ساله بودم، آنها را در کتابی با عنوان مجموعه داستان‌های «خانواده خرسی خانم» چاپ کردیم.

تا جایی که به یاد دارم، همیشه یا در حال نوشتن بودم یا خواندن. کم کم علاقه به مطالعه، رشته تحصیلی ام و تشویق‌های مادر همیشه همراه مرا به سمت ترجمه‌ی کتاب سوق داد.

در ابتدا به دلیل دانش ناکافی، اشرافیت نداشتن به مراحل ترجمه و نبود راهنما یا مربی، این کار برایم بسیار سخت بود. کتابی را انتخاب کردم و با استفاده از مترجم هوشمند گوگل شروع به ترجمه کردم. این سایت به خودی خود دارای نقصان‌هایی بود و متون را به صورت ماشینی ترجمه می‌کرد؛ به طوری که متن دریافتی از لحاظ گرامر و محتوا با مشکلات زیادی همراه بود. در واقع مترجم گوگل، توانایی ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مخصوص هر زبان را به درستی ندارد؛ به همین دلیل گاهی متنی را با معنای کاملاً متفاوت از منظور نویسنده ترجمه می‌کرد. از سوی دیگر، در فصل پایانی متوجه شدم کتاب نه با فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی سازگاری دارد، نه سودمند و قابل چاپ است. در این هنگام، به دلیل انتخاب نادرست موضوع، نحوه‌ی ترجمه کتاب، و صرف زمان و انرژی زیاد به بن‌بست خوردم. در نتیجه، به این باور رسیدم که باید در حوزه‌ی ترجمه آموزش‌های لازم را ببینم و استفاده از نرم افزارهای گویا و مترجم گوگل منابع کافی و مناسبی برای ترجمه نیستند. به همین دلیل، توصیه می‌کنم افرادی که در دستور برنامه‌ی تحصیلی خود قصد ترجمه‌ی کتاب را دارند، از ابتدا موارد لازم را با افراد صاحب‌نظر در حوزه‌ی ترجمه بررسی و سپس اقدام به ترجمه کنند تا زمان و پتانسیل آن‌ها اتلاف نشود. ترجمه‌ی کتاب برای کسانی که رشته‌ی تحصیلی آن‌ها مترجمی نیست، کار دشواری است و نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی معنایی و گرامری فراوان دارد. پس از گذراندن دروس ترجمه در مقطع کارشناسی، در کارگاه‌های آموزشی دانشگاه شرکت کردم. این دو آموزش، مکمل یکدیگر عمل کردند و مانند داروی نیروبخشی بودند که بستر لازم برای ترجمه را برای من آماده کردند. لازم به ذکر است که دوره‌های تخصصی زبان انگلیسی اعم از آموزش‌های ترمیک زبان، کلاس بحث‌های آزاد، دوره‌ی تربیت مدرس کودکان و بزرگسالان، فنون ترجمه، گرامر انگلیسی (جملات و ساختارهای پیچیده) و دوره‌ی آیلتس نیز زاویه دید مرا در ترجمه فراتر برد. همچنین در راستای تحقق اهدافم در بخش‌های دشوار، از استادان بزرگوار در دانشگاه و اطرافیان خبره راهنمایی می‌جستم که همواره از همراهی‌های متعهدانه آنها تقدیر و تشکر می‌کنم. در مواردی هم به دلیل مشغله‌های شخصی که هر فردی با آن مواجه است، از مساعدت‌های صاحب‌نظران محروم می‌ماندم؛ اما این پیشامد دلیل بر مأیوس شدن من نبود و حضور خدا را در لحظه لحظه‌ی زندگی‌ام احساس می‌کردم و همزمان که تحقیقاتم را با توکل به خدا ادامه می‌دادم، درهای رحمت یکی پس از دیگری به رویم گشوده می‌شد. برای یافتن کتاب‌های محبوب سال، با راهنمایی استادان به سایت آمازون مراجعه می‌کردم و در قسمت جستجوی آن، ژانر مورد نظر خود (کتاب‌های انگیزشی-روانشناسی) را می‌یافتم، سپس به کمک سایتی که کتاب را به صورت مستقیم از آمازون تهیه می‌کرد، آن را خریداری می‌کردم. کتاب‌های ترجمه شده‌ی من در ژانر انگیزشی هستند.





اولین کتاب ترجمه شده با عنوان «چگونه شروع کنیم» اثر «مایکل بونگی استانیر» است که نسخه‌ی اصلی آن در سال ۲۰۲۲ منتشر شده بود. من نیز در همان سال (۱۴۰۱) آن را ترجمه کردم. دومین کتابم، «توصیه‌های عالی برای زندگی بهتر» اثر «کوین کلی» محصول سال ۲۰۲۳ است که آن را نیز در همان سال (۱۴۰۲) به سهولت ترجمه و چاپ کردم. در پایان راز موفقیت خود در فرآیند ترجمه را در سه اصل به صورت خلاصه بیان می‌کنم:

- ۱- توکل و یاری جستن از خداوند متعال
- ۲- تلاش برای مطالعه، آموختن و افزایش سطح دانش
- ۳- همراهی متعهدانه‌ی استادان محترم دانشگاه و همراهان صاحب‌نظر
- ۴- استفاده از فناوری

- 
- 1) How to Begin
  - 2) Michael Bungay Stainer
  - 3) Excellent Advice for Living
  - 4) Kevin Kelly



## تبحر یافتن در هنر ترجمه: نگاهی دقیق تر به مهارت‌های لازم

مترجم: ندا صالحی، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

هنر ترجمه عملی فراتر از تبدیل واژگان از زبانی به زبان دیگر است. ترجمه، فرآیند پیچیده‌ای است که مستلزم [برقراری] تعادلی ظریف بین مهارت زبانی، دانش فرهنگی و مهارت‌های فنی است. در این مقاله با بررسی عمیق پیچیدگی‌های ترجمه، به مهارت‌های لازم برای مترجمان مشتاق خواهیم پرداخت تا در حرفه‌ی خود متبحر شوند.

### تسلط به زبان مبدأ و مقصد

ترجمه نیازمند دانش دقیق و عمیق از زبان مبدأ و مقصد است و با صراحت کلام و درکی جامع از دستور زبان، علم نحو، اصطلاحات، محاوره و حتی گویش‌های محلی سروکار دارد. دستور زبان و علم نحو سنگ بنای اصلی هر زبان هستند. کار مترجم این است که با درک چنین پیچیدگی‌هایی، جملات معنادار بسازد و مفهوم اصلی را حفظ کند. مثلاً ترتیب واژگانی به طور چشمگیری از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. برخی از ساختار فاعل-فعل-مفعول پیروی می‌کنند در حالی که سایر [زبان‌ها] ممکن است از ساختار فاعل-مفعول-فعل یا فعل-فاعل-مفعول استفاده کنند. درک اشتباه این قواعد می‌تواند به جملاتی عجیب و کاملاً نامفهوم منجر شود. ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه چالش‌های منحصر به فرد خودشان را دارند. [چرا که] اغلب وابسته به بافت فرهنگی‌ای هستند که ممکن است در زبان مقصد وجود نداشته باشد و همین مسأله، ترجمه‌ی مستقیم آن‌ها را دشوار می‌کند. مثلاً ضرب‌المثل انگلیسی «kick the bucket» به معنی مردن است اما ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن ممکن است گویشوران غیر انگلیسی زبان را سردرگم کند. مترجمان باید بتوانند این اصطلاحات را تشخیص دهند و برای انتقال همان مفهوم در زبان مقصد معادل‌یابی کنند.

گویش‌های محلی لایه‌ای مضاعف از پیچیدگی را [به کار ترجمه] اضافه می‌کنند. حتی در محدوده‌ی زبانی مشترک، بسته به منطقه‌ی خاص [نیز] ممکن است تفاوت‌های چشمگیری در واژگان، تلفظ و علم نحو وجود داشته باشد. مترجم باید این تفاوت‌ها را بداند و از صحیح بودن ترجمه از جنبه‌ی دقت و حساسیت فرهنگی اطمینان حاصل کند. علاوه بر این، مترجمان باید عمیقاً با فرهنگ هر دو زبان مبدأ و مقصد آشنا باشند. زبان در خلأ و انزوا استفاده نمی‌شود، بلکه با فرهنگ و جامعه‌ای که در آن به کار می‌رود درهم تنیده شده است. برای داشتن یک ترجمه‌ی کارآمد باید ارجاعات فرهنگی، بافت تاریخی و هنجارهای اجتماعی منعکس شده در زبان را درک کرد. کار مترجم متعادل‌سازی ظریفی از دانش زبان‌شناختی و درک فرهنگی است. هدف او ارائه‌ی ترجمه‌ای طبیعی است که همزمان با بررسی پیچیدگی‌ها و ظرایف هر دو زبان، روح متن اصلی را حفظ می‌کند.



### دانش فرهنگی

ترجمه‌ی محتوی از یک زبان به زبان دیگر عملی زبان‌شناختی و فرهنگی است. مترجم باید دارای تبحر فرهنگی باشد، به این معنا که باید هنجارها، باورها، ارزش‌ها و آداب فرهنگی گویشوران زبان مبدأ و مقصد را درک کند و به آن‌ها احترام بگذارد. این حساسیت فرهنگی بسیار مهم است [زیرا که] باید اطمینان حاصل شود، محتوی ترجمه شده، در مخاطب متن مقصد، هیچ نوع احساس توهین یا سوء برداشت ایجاد نمی‌کند. تبحر فرهنگی به مترجمان این اجازه را می‌دهد تا پیچیدگی‌های فرهنگ‌های مختلف را به طور مؤثر درک کنند. این پیچیدگی‌ها شامل درک هنجارهای اجتماعی، تشخیص ارجاعات فرهنگی و آگاهی از رویدادهای تاریخی و حال حاضر است که می‌تواند بر بافت زبان تأثیر بگذارد. هر فرهنگ، اصطلاحات، شوخی‌ها، نمادها و آداب و رسوم منحصر به فرد خودش را دارد. مترجمی که به لحاظ فرهنگی متبحر باشد، می‌تواند این عناصر را تشخیص دهد و آن‌ها را برای مخاطب متن مقصد قابل درک کند.

مثلاً شوخی را در نظر بگیرید. چیزی که خنده‌دار تلقی می‌شود، می‌تواند از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت باشد و این حاصل تفاوت در هنجارها و ارزشهای اجتماعی است. لطیفه‌ای که غالباً در فرهنگی خنده‌دار است ممکن است در فرهنگ دیگر توهین‌آمیز و کاملاً بی‌معنی به نظر بیاید. بنابراین یک مترجم کارآزموده باید تشخیص دهد که چه زمانی نمی‌توان شوخی را درست ترجمه کرد؛ پس باید برای انتقال همان روح شوخ‌طبعی یا کنایه راهی پیدا کند، طوری که فرهنگ مقصد آن را درک و تحسین کند.

به همین ترتیب، تبحر فرهنگی به مترجمان کمک می‌کند که از خطرات احتمالی مرتبط با حساسیت‌های فرهنگی اجتناب کنند. مثلاً موضوعاتی که در فرهنگ‌های خاص تابو محسوب می‌شود، آزادانه در فرهنگ‌های دیگر راجع به آنها صحبت می‌شود. [بنابراین] مترجمی که به این ظرایف فرهنگی آگاه است می‌تواند با دقت و ظرافت، از پس چنین محتوایی بر بیاید یا شیوه‌ای محترمانه برای ارائه‌ی آن پیدا کند و یا محتوایی جایگزین پیشنهاد کند که برای مخاطبان متن مقصد قابل قبول‌تر باشد. تبحر فرهنگی مهارتی بسیار مهم است که همه‌ی مترجمان باید از آن برخوردار باشند. این نوع تبحر چیزی فراتر از تسلط زبانی محض است و مستلزم درک بافت‌های اجتماعی و فرهنگی است که زبان در این بافت‌ها استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن این بافت‌ها مترجمان می‌توانند اثری در خور تولید کنند که از نظر زبان‌شناختی دقیق و از لحاظ فرهنگی مناسب باشد.



در واقع، یک مترجم خوب، اغلب یک محقق خوب نیز هست. فرقی نمی‌کند که متن در حوزه حقوقی، پزشکی، فناوری، ادبیات یا هر زمینه‌ی دیگر باشد، [هر چه که باشد] هر یک از این رشته‌ها مجموعه‌ای از اصطلاحات مختص به خودشان را دارند که باید به صورت دقیق به زبان مقصد برگردانده شوند.

اینجاست که نقش محققان مشخص می‌شود. مترجمان باید محققان ماهری باشند تا موضوعی را که ترجمه می‌کنند به خوبی درک کنند. این امر می‌تواند شامل مطالعه‌ی مقالات مرتبط با موضوع، مشاوره با متخصصان آن حوزه یا استفاده از فرهنگ لغات و واژه‌نامه‌های تخصصی باشد. [حتی] ممکن است به مرور ترجمه‌های مشابه نیز نیاز پیدا کنند تا بدانند که اصطلاحات و عبارات خاص قبلاً چگونه ترجمه شده‌اند.

مثلاً مترجمی که روی یک متن پزشکی کار می‌کند شاید نیاز داشته باشد که در زمینه‌ی رویه‌های خاص پزشکی یا اصطلاحات ذکر شده تحقیق کند تا مطمئن شود که ترجمه‌اش برای افرادی که با آن حوزه سروکار دارند، درست و قابل فهم است. این امر می‌تواند شامل مطالعه‌ی مجلات پزشکی یا مشاوره با پزشکان با هدف درک ظرایف موضوع باشد.

علاوه بر این، فناوری دائماً در حال تحول است و [به تبع آن] اصطلاحات و مفاهیم جدید نیز به طور مرتب عرضه می‌شوند. در اینجا مهارت‌های تحقیقاتی یک مترجم بسیار با ارزش به شمار می‌آید. آنها باید خودشان را با جدیدترین پیشرفت‌ها روزآمد کنند و از چگونگی ترجمه‌ی کارآمد این اصطلاحات جدید اطلاع داشته باشند.

تحقیق به مترجمان کمک می‌کند که لحن، سبک و ظرایف اثر اصلی را در ترجمه‌های ادبی درک کنند. مترجمان ممکن است نیاز داشته باشند که مجموعه آثار نویسنده، دوره‌ای که اثر در آن نوشته شده است و ظرایف فرهنگی مؤثر بر متن را مطالعه کنند. همچنین، تحقیق در درک تفاوت‌های فرهنگی زبان‌های مبدأ و مقصد به مترجمان کمک می‌کند. همانطور که بیشتر اشاره شد، این تبحر فرهنگی بسیار مهم است و [دلیل آن] برای حصول اطمینان در رابطه با این موضوع است که آیا محتوای ترجمه شده، بدون ایجاد دلخوری و سوء برداشت در مخاطب متن مقصد، سبب ایجاد همزادپنداری در او می‌شود [یا خیر].

مهارت‌های تحقیقاتی ابزاری مهم در مجموعه ابزارهای [مورد استفاده‌ی] مترجمان هستند. توانایی یادگیری سریع و درک اطلاعات متنوع باعث تضمین ترجمه و بهبود کیفیت و خوانش‌پذیری اثر می‌شود. این امر به نوبه‌ی خود منجر به تسهیل در ارتباطات و درک بهتری میان زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

### مهارت‌های نوشتاری

ترجمه به همان اندازه که هنر نوشتن محسوب می‌شود، مهارت درک زبان و فرهنگ نیز هست. یک مترجم خوب فقط محتوی را به زبان دیگر بر نمی‌گرداند، بلکه متن را به شیوه‌ای بازآفرینی می‌کند که در زبان مقصد، طبیعی و اصیل به نظر برسد. این امر مستلزم تسلط کامل به هر دو زبان و مهارت‌های نوشتاری قوی است.





[برخوردار بودن از] دایره‌ی لغات وسیع مهم است. تسلط غنی زبانی به مترجمان این اجازه را می‌دهد که دقیق‌ترین کلمات را برای انتقال معانی متن مبدأ استفاده کنند. اما نکته‌ی مهم صرفاً داشتن واژه‌های زیاد نیست بلکه داشتن کلمات مناسب برای هر بافت است. واژگان مختلف می‌توانند معانی ضمنی متفاوتی را به همراه داشته باشند. یک مترجم ماهر این ظرایف را می‌داند و از آنها به درستی استفاده می‌کند.

[نکته‌ی] بعدی اهمیت درک درست از سبک و لحن است. هر بخشی از یک نوشته، لحن منحصر به فردی دارد: [لحن] رسمی، غیر رسمی، شوخی و جدی. مترجمان باید لحن را در زبان مقصد تشخیص دهند، [چرا که] اصولاً وقتی هنجارهای کلامی زبان مبدأ و مقصد به طور چشمگیری متفاوت باشند، این امر می‌تواند چالش‌برانگیز شود. آنها باید بین حفظ سبک اصلی و تطابق آن با الگوهای زبان‌ساختی و فرهنگی زبان مقصد تعادل برقرار کنند.

مهارت مهم بعدی واضح و مختصرنویسی است. مترجمان باید بتوانند با حفظ معنای اصلی ایده‌ها، آنها را به صورت کوتاه بیان کنند. این در زمینه‌هایی مثل حقوق و پزشکی اهمیت خاصی دارد چون در این رشته‌ها کوتاهی و شفافیت متون در اولویت است. باید در ترجمه‌ی متن از اصطلاحات غیرضروری یا جملات بسیار پیچیده خودداری کرد تا متن ترجمه شده برای مخاطب متن مقصد به راحتی قابل درک باشد.

به علاوه، یک مترجم خوب می‌تواند ضمن حفظ پیام اصلی و منظور متن، آن را به طور طبیعی به زبان مقصد منتقل کند. این به معنای حفظ منظور نویسنده و اطمینان از این مسأله است که متن ترجمه شده باعث برانگیخته شدن همان احساسات و واکنش‌هایی در مخاطبان متن مقصد می‌شود که در مخاطبان متن اصلی ایجاد کرده است.

ترجمه تلاشی خلاقانه است که شامل درکی عمیق از زبان، فرهنگ، و مهارت‌های نوشتاری است. داشتن مهارت‌های نوشتاری قوی برای مترجم به اندازه‌ی دانش کلامی و فرهنگی حائز اهمیت است.

### توجه به جزئیات

در دنیای پیچیده‌ی ترجمه، جزئیات نه تنها مهم هستند، بلکه بسیار اساسی و حیاتی‌اند. هر علامت نگارشی، هر انتخاب کلمه و هر ساختار جمله، نقشی اساسی در انتقال معنای مورد نظر متن ایفا می‌کند. جزئی‌ترین اشتباه یا درک نادرست می‌تواند به شدت سبب انحراف از پیام اصلی شود و باعث سردرگمی و حتی ایجاد احساس اهانت [در مخاطب متن مقصد] شود. مترجمان باید به جزئیات دقت کنند و به ارائه‌ی ترجمه‌ای متعهد باشند که تا حد امکان دقیق و به متن اصلی وفادار است.

مثلاً علامت‌های نگارشی ممکن است کم اهمیت به نظر برسند اما نقش آنها در شکل‌دهی معنای جمله بسیار مهم است. ویرگول اشتباه یا نقطه‌ی جا افتاده می‌تواند ریتم، لحن و حتی کل معنای جمله را تغییر دهد.

مثلاً "let's eat, grandma" و "let's eat grandma" معنای کاملاً متفاوتی را منتقل می‌کنند. یکی به معنای دعوت به خوردن غذا است و دیگری به سناریویی مخوف اشاره دارد. بنابراین مترجمان باید به علامت‌های نگارشی توجه زیادی بکنند تا مطمئن شوند که متن ترجمه شده به اندازه‌ی متن اصلی از شفافیت و معنا برخوردار است یا خیر.



همچنین انتخاب کلمات نقش مهمی در ترجمه ایفا می‌کند. شاید به نظر برسد که می‌توان کلمات مترادف را به جای هم به کار برد. اما هر کلمه دارای ظرایف و مفاهیم ضمنی منحصری به فردی است. انتخاب یک کلمه به جای کلمه‌ی دیگر باعث می‌شود لحن و تأکید جمله به طور نامحسوسی تغییر کند. مترجمان باید به واژگان هر دو زبان مبدأ و مقصد مسلط باشند تا مناسبترین کلمات را برای حفظ معنای اصلی انتخاب کنند.

علاوه بر این، ساختار جملات و قواعد دستور زبان در بین زبان‌ها متفاوت است. مترجمان باید با حفظ درون‌مایه اصلی، این تفاوت‌ها را درک کنند و بر اساس آن ساختار متن ترجمه شده را مطابقت دهند. این امر مستلزم درکی عمیق از پیچیدگی‌های دستور زبان هر دو زبان و توانایی بازسازی جملات است به نحوی که مفهوم اصلی به طرز خلاقانه‌ای حفظ شود.

مترجمان باید آراعات فرهنگی، اصطلاحات و کلمات محاوره‌ای را نیز در نظر بگیرند. این عناصر اغلب ریشه در فرهنگ دارند و ممکن است معادل‌های دقیق و مستقیمی در زبان مقصد نداشته باشند. مترجمان باید معانی این عبارات را به درستی منتقل کنند حتی اگر این کار به معنای کمی انحراف از ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن عبارات باشد.

هنر ترجمه فرآیندی دقیق است که به جزئی‌نگری و درکی عمیق از زبان‌ها و فرهنگ‌ها نیاز دارد. ترجمه فقط تبدیل کلمات از زبانی به زبان دیگر نیست بلکه انتقال وفادارانه‌ی پیام، لحن، و درون‌مایه تا حد امکان است. تمام جزئیات مهم هستند و کار مترجم حصول اطمینان از این است که چیزی در ترجمه از قلم نیفتاده باشد.

### توانایی کار با ابزار ترجمه

در عصر دیجیتال امروز، مترجمان اغلب از ابزارهای نرم‌افزاری برای انجام کارشان استفاده می‌کنند. این ابزارها طیف گسترده‌ای دارند، از ابزارهای حافظه‌ی ترجمه که جملات ترجمه شده قبلی را ذخیره می‌کنند گرفته، تا سیستم‌های مدیریت اصطلاحات و واژگان که در یافتن واژگان و اصطلاحات و ترجمه‌ی آن‌ها به مترجم کمک می‌کنند. آشنایی با این نرم‌افزارها می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای کارایی و انسجام در ترجمه را بهبود بخشد.

### نتیجه‌گیری

تبحر یافتن در ترجمه مستلزم مجموعه‌ای از مهارت‌های متنوع است، از مهارت زبان‌شناختی و درک فرهنگی گرفته تا توانایی تحقیق و دانش فنی. ترجمه حرفه‌ای چالش‌برانگیز و ارزشمند است که فرصتی را برای پیوند فرهنگ‌ها و تسهیل ارتباطات بین مرزی مهیا می‌کند.

چه به تازگی سفر ماجراجویانه‌ی خود را در حوزه‌ی ترجمه‌ی شروع کرده باشید و چه به دنبال تقویت مهارت‌هایتان باشید، به خاطر بسیاری که یادگیری و تمرین مستمر بسیار مهم است. زیرا همزمان با گسترش ارتباطات در جهان، نیاز به مترجمان کارآزموده نیز بیشتر می‌شود.

منبع: سایت Translation Insights

[https://www.linkedin.com/pulse/mastering-art-translation-closer-look-](https://www.linkedin.com/pulse/mastering-art-translation-closer-look-skills#:~:text=Translation%20is%20as%20much%20an,natural%20in%20the%20target%20language)

[skills#:~:text=Translation%20is%20as%20much%20an,natural%20in%20the%20target%20language](https://www.linkedin.com/pulse/mastering-art-translation-closer-look-skills#:~:text=Translation%20is%20as%20much%20an,natural%20in%20the%20target%20language)

# روش‌های تدریس زبان خارجی به کودکان برای مکالمه‌ی روان

مترجم: موژان نهرجو، دانشجوی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

علیرغم اینکه امروزه شیوه‌های زیادی برای یادگیری زبان‌های خارجی و روش‌های مختلف آموزش این زبان‌ها وجود دارد، اما همه‌ی آن‌ها یک وجه اشتراک دارند. به عبارت دیگر، اگر بپرسید چگونه باید به زبان دوم/ خارجی مسلط شوید، پاسخ در هر یک از این رویکردها یکسان خواهد بود، یعنی با استفاده‌ی مستمر از زبان. بنابراین، راز یادگیری موفق هر زبان خارجی، قرار گرفتن در معرض آن زبان و استفاده از آن است. وقتی از آموزش زبان خارجی در مدارس ابتدایی صحبت می‌شود، نکته مورد توجه این است که کلاس‌ها به تنهایی کافی نیستند. یعنی اگر کودکی بعد از مدرسه دیگر با زبان مقصد ارتباطی نداشته باشد، هر چیزی را که در کلاس آموخته است، به زودی از یاد می‌برد. این موضوع درباره همه‌ی دروس، به ویژه در مورد زبان‌های خارجی صدق می‌کند.

بنابراین، شما باید کودک خود را تشویق کنید تا از کلماتی را که می‌آموزد تا جایی که ممکن است خارج از کلاس نیز استفاده کند. زیرا بهترین راه برای یادگیری هر زبانی استفاده از آن است. قطعاً نقش والدین در این موضوع دارای اهمیت است. اولین نکته‌ی مهم، ایجاد انگیزه در کودک است بدون آن که به او اجبار شود. در سنین پایین‌تر کودکی، دانش در محیط‌های بدون استرس و فشار، از طریق بازی، به بهترین شکل کسب می‌شود. بنابراین ایجاد محیطی مهیج و حمایتگر برای یادگیری زبان خارجی ضروری است.

محیط مهیج برای یادگیری زبان به چه شکل است؟



۱. کودک باید احساس امنیت کند و زبان دوم را خارج از مدرسه، به روشی کاملاً طبیعی، مشابه با روشی که زبان مادری خود را فرا گرفته است، بیاموزد.

۲. کودک باید برای هر کاری که درست انجام می‌دهد، تحسین شود و به او جایزه‌ای داده شود. اگر با مانعی برخورد کند، حمایت و غلبه بر موانع با همدلی دارای اهمیت است.

۳. اگر به نظر می‌رسد که کودک خسته است، اجازه دهید کمی استراحت کند و از فعالیت‌های دیگر لذت ببرد. به عبارت ساده‌تر، یادگیری زبان خارجی، بیرون از کلاس باید بیشتر شبیه بازی باشد تا آموزش رسمی.

آیا کودک باید در سنین پایین یادگیری زبان دوم را شروع کند؟

شاید کارشناسان نتوانند ساده‌ترین روش یادگیری زبان خارجی را به شما بگویند، اما بهترین زمانی را که فرزندان باید شروع به یادگیری آن کنند، توصیه می‌کنند. به طور واضح‌تر:

تحقیقات مؤکداً نشان می‌دهند که یادگیری زبانهای خارجی در سنین پایین بهترین نتایج را به همراه دارد. بنابراین، توصیه می‌شود که فرزندان شما علاوه بر زبان مادری، زبان دوم را نیز یاد بگیرند.

با این وجود، چه چیزی کودکان را قادر می‌سازد راحت‌تر از

بزرگسالان زبان را فرا بگیرند؟

**اكتساب طبيعى:** هنگامی که کودکان یادگیری زبان مادری خود را شروع می‌کنند، از راهبردهای ذاتی و غریزی خود برای فراگیری زبان استفاده می‌کنند که این راهبردها کودک را قادر می‌سازد از سنین بسیار پایین شروع به صحبت کند. در مورد زبانهای خارجی هم همین‌طور است، هر چه کودک کوچکتر باشند، بیشتر از این روشهای ذاتی استفاده و موفق‌تر عمل می‌کند. نمونه‌ی بارز این امر کودکانی هستند که والدینشان به زبانهای مادری متفاوتی صحبت می‌کنند. چنین کودکانی در اوایل کودکی به راحتی به هر دو زبان مسلط خواهند شد.

در مقابل، با بزرگ شدن کودکان، این راهبردهای ذاتی مؤثر جای خود را به صورت‌های دیگر یادگیری می‌دهند، بنابراین یادگیری زبان‌ها را با به خاطر سپردن واژگان و دستور زبان آغاز می‌کنند، مانند روشی که سایر دروس مدرسه را یاد می‌گیرند و در نتیجه، زبان مورد نظر دیگر بخشی طبیعی از بیان کودک نیست.

**زمان و فرصت خالی بیشتر:** وقتی کودکان در پیش دبستانی یا ابتدایی هستند، هنوز مسئولیت زیادی ندارند و حجم زیادی از اطلاعات را دریافت نمی‌کنند. در نتیجه فضای بیشتری در مغز آنها برای یادگیری زبان خارجی باقی می‌ماند. یکی از بهترین شاخص‌ها برای اینکه تشخیص دهیم آیا کودک می‌تواند زبان دوم را روان صحبت کند یا خیر، زمانی است که شروع به یادگیری آن کرده است. کودکانی که بعداً شروع به یادگیری یک زبان خارجی کرده‌اند، اغلب بدون مشکل، بر دستور زبان تسلط پیدا می‌کنند. اما همیشه تمایزی بین آنها با کودکانی که یادگیری زبان را در سنین پایین‌تر شروع کرده‌اند، وجود دارد و آن هم تلفظ است.

کودکانی که به طور طبیعی زبان دوم را در سنین پایین فرا می‌گیرند، اغلب نسبت به دوستانشان که دیرتر شروع به یادگیری همان زبان کرده‌اند، تلفظ و شم زبانی بسیار بهتری دارند. زبان به سادگی بخشی از محیط طبیعی آنها شده و در نتیجه تسلط آنها بر آن در مراحل بعدی زندگی به مراتب آسان‌تر است.

بسیاری از کودکان در سنین بسیار پایین صرفاً با تماشای کارت‌تون، یک زبان را یاد گرفته‌اند. بعداً، زمانی که از قبل درک وسیعی از آن زبان پیدا کرده بودند، بر دستور آن زبان تسلط پیدا کردند. بنابراین، فارغ از اینکه فرزند شما در مهدکودک، پیش دبستانی یا دوره‌ی ابتدایی است، باید گاهی در اوقات فراغت خود با او کار کنید و به او کمک کنید به زبان خارجی مسلط شود و روان صحبت کند. راه‌های جالب و آموزشی زیادی وجود دارد که به شما کمک می‌کند در حین تفریح و گذارندن اوقات شاد با فرزندتان، به انجام کاری مفید بپردازید.

۷ روش آموزش زبان خارجی که باعث مهارت فرزندتان در یادگیری می‌شود

۱. با هم یاد بگیرید

برای کمک به فرزندتان در حل مسائل ریاضی، باید خودتان بتوانید محاسبات را انجام دهید. اگر می‌خواهید خواندن و نوشتن را به آنها یاد بدهید، باید خودتان سواد داشته باشید. در مورد زبانهای خارجی چطور، آیا لزوماً باید به زبانی مسلط باشید تا به فرزندتان در یادگیری آن کمک کنید؟

بله و خیر.

راز این کار از این قرار است:

اگر قبلاً به مبانی مبتدی زبانی که فرزندتان یاد می‌گیرد تسلط یافته‌اید، مطمئناً کمک به آنها و یادگیری همراه با آنها بسیار آسان‌تر خواهد بود.

از این فرصت برای تسلط بر اصول اولیه یک زبان خارجی با فرزندتان استفاده کنید.

خجالت نکشید و عقب نمانید: هدف شما قبل از هر چیز کمک به فرزندتان است و می‌دانید که آماده‌ی انجام هر کاری برای او هستید. ضمناً، این فرصتی برای شما برای یادگیری مبانی پایه‌ی یک زبان خارجی است، پس از آن استفاده کنید.



این امر را فرصتی عالی برای گذراندن وقت با کیفیت با فرزندتان در انجام کاری مفید و سازنده در نظر بگیرید. راز دیگری را در اختیارتان می‌گذاریم:

کودکان از طریق مشاهده و الگوسازی یاد می‌گیرند، یعنی از الگوهای محیط اطراف خود تقلید می‌کنند. به این ترتیب، شما علاوه بر دانش زبانی به فرزند خود چیز دیگری هم آموزش خواهید داد و آن نگرشی مثبت نسبت به یادگیری است. یعنی وقتی فرزندتان ببیند که یادگیری فعالیتی است که شما با لذت انجام می‌دهید، می‌فهمد که این یک فعالیت مثبت است که افراد در تمام طول زندگی خود انجام می‌دهند. این فعالیت می‌تواند سرگرم‌کننده باشد و او را به والدینش نزدیک‌تر کند، که این نهایت خواسته‌ی درونی هر کودکی است.

اگر فرزند شما در سنین پایین نسبت به یادگیری نگرش مثبتی پیدا کند، آن را در طول زندگی خود پرورش خواهد داد. این بدان معناست که شما مشکلی را که اکثر والدین با آن روبرو هستند، نخواهید داشت. شما مجبور نمی‌شوید که فرزندتان را وادار به مطالعه کنید، زیرا او عادات کاری خوبی پیدا می‌کند و مسئولیت یادگیری را از سنین پایین می‌آموزد.

### ۲. بازی‌هایی به زبان خارجی انجام دهید

وقتی بچه‌ها کوچک هستند، از طریق فعالیت‌های روزمره، به‌طور خودجوش درباره‌ی دنیای اطراف خود یاد می‌گیرند. با این حال، یکی از بهترین و کارآمدترین اشکال یادگیری از طریق فعالیت مورد علاقه آن‌ها، یعنی بازی است. یادگیری از طریق بازی روشی اثبات شده برای یادگیری یک زبان خارجی است. مثلاً، بازی قایم موشک با کودکان می‌تواند راه بسیار خوبی برای آموزش شمارش اعداد باشد. همچنین استفاده از فناوری‌های آموزشی نتایج بسیار خوبی در یادگیری زبان‌های خارجی در سنین پایین دارد.

شما می‌توانید تعدادی بازی یا برنامه‌ی جالب را به صورت آنلاین پیدا کنید، مانند یازل‌های تعاملی که می‌تواند به کودک شما کمک کند تا نام رنگ‌ها، حیوانات و اشکال را به زبان‌های مختلف یاد بگیرد. به این ترتیب کودک به غیر از کلمات یک زبان خارجی، به‌طور همزمان دانش مهم دیگری در مورد جهان به دست می‌آورد.

### ۳. کارتون و برنامه کودک را به زبان خارجی بخش کنید

هنگام یادگیری یک زبان خارجی، باید موارد زیر را در نظر بگیرید، تفاوت زیادی بین قرار گرفتن در معرض زبان و یادگیری زبان وجود دارد.

معمولاً وقتی صحبت از یادگیری زبان می‌شود، منظور یادگیری قوانین دستوری، حفظ کردن واژگان و تمرین‌هاست. با این حال، مهمترین چیز برای کودکان خردسال، قرار گرفتن در معرض صداها، ریتم و آهنگ یک زبان است. و یکی از بهترین راه‌ها برای انجام آن، بخش کارتون و برنامه کودک است.

در سنین پایین، کودکان با گوش دادن، تکرار و تداعی کلمات با اعمال خاصی به گفتار مسلط می‌شوند. به همین دلیل است که بسیاری از کودکان صرفاً با تماشای کارتون به زبانی دیگر، قادر به تسلط بر یک زبان خارجی هستند.

همچنین بسیاری از کارتونها و برنامه‌های تلویزیونی به‌طور خاص برای یادگیری زبان طراحی شده‌اند که در آن کودکان از طریق ماجراجویی‌های قهرمانان کارتونی با معنی و تلفظ کلمات آشنا می‌شوند.

قرارگیری در معرض یک زبان خارجی از سنین پایین تأثیر بسیار خوبی بر فرزند شما دارد. این امر باعث می‌شود که تلفظ آنها مشابه تلفظ فردی باشد که زبان مادری خودش را صحبت می‌کند.

به زبان ساده، کودکان مقلدهای بسیار خوبی هستند. برخلاف دانش‌آموزان بزرگتر که معمولاً لهجه‌ی مادری خود را حفظ می‌کنند، در سنین پایین چیزهای جدید از جمله تلفظ را به راحتی یاد می‌گیرند.



#### ۴. آواز خواندن به زبان خارجی

کودکان شعر را دوست دارند و ملودی به آن‌ها کمک می‌کند تا تعدادی از کلمات را به خاطر بسپارند، به همین دلیل است که اشعار کودکانه، تکنیکی عالی برای حفظ و یادگیری است. آواز خواندن به زبان مقصد روشی عالی و کارآمد برای کمک به تسلط فرزندان بر زبان خارجی است، و همچنین فرصتی عالی برای وقت‌گذرانی و سرگرمی است. اشعار کودکانه‌ای را که ممکن است فرزندان دوست داشته باشد، از منابع مختلف پیدا کنید و از خواندن آن‌ها نترسید. قبل از اینکه متوجه شوید، فرزندان این اشعار را از بر می‌شود.

#### ۵. کتاب به زبان خارجی بخوانید

برای یادگیری زبان‌های مختلف از سنین پایین، می‌توان در کتاب‌فروشی‌ها چند کتاب تخصصی پیدا کرد. با کمک شما در خواندن، نوشتن و معنی کلمات، کودک شما خیلی زود بر معنی و تلفظ کلمات خارجی تسلط پیدا می‌کند. علاوه بر این، می‌توانید قبل از خواب، داستان‌های کوتاه به زبان خارجی را [برای کودک] بخوانید. چنین داستان‌هایی معمولاً حاوی عبارات رایج هستند تا کودک به راحتی آن‌ها را به خاطر بسپارد.

#### ۶. زبان خارجی را در فعالیت‌های روزانه خود بگنجانید

در سال‌های اولیه زندگی، کودکان همه چیز را مانند اسفنج جذب می‌کنند، بنابراین برای یادگیری نیازی به کمک خاصی ندارید. صرفاً به پارک، فروشگاه یا شهر بازی بروید و ابتدا اشیاء، اشکال و رنگ‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شوید به زبان مادری‌تان و سپس به زبان مقصد نام ببرید. این بهترین راه برای یادگیری کودک است زیرا کودکان را با پدیده‌های اطراف خود آشنا می‌کند و بنابراین در صورت لزوم قادر خواهد بود از کلمات زبان مقصد استفاده کند. به این ترتیب، کودک علاوه بر زبان خارجی، ناخودآگاه زبان مادری خود را نیز از طریق بازی تقویت خواهد کرد.

#### ۷. زبان خارجی را به صورت آنلاین یاد بگیرید

اگر به فرزند شما در مدرسه زبان دوم آموزش داده می‌شود، روشی کمتر رسمی برای یادگیری زبان خارجی، می‌تواند نوعی سرگرمی مطبوع، مؤثر و مطلوب باشد. یادگیری یک زبان خارجی به صورت آنلاین نه تنها سرگرم‌کننده و رایگان یا کم‌هزینه است، بلکه راهی خوب برای کودک شما برای پیشرفت مهارت‌های زبانی است. نکته‌ی مهم در مورد یادگیری یک زبان خارجی به صورت آنلاین این است که کاملاً با سبک زندگی کودکان مطابقت دارد: درس‌ها کوتاه هستند و آزمون دارند و کودکان می‌توانند این آزمون‌ها را در تلفن همراه خود در هر جایی و بین فعالیت‌های دیگر انجام دهند. این سایت‌ها و برنامه‌ها مملو از فعالیت‌های جذاب و سرگرم‌کننده برای بچه‌ها هستند که بسیار بهتر از کلاس‌های سنتی، توجه کودک شما را به خود جلب می‌کنند. فراگیری زبان دوم افق دید ما را گسترش می‌دهد، ما را با فرهنگ‌های دیگر آشنا می‌کند و ابزاری ارزشمند در شکل‌گیری شخصیت و زندگی حرفه‌ای ماست. والدین مانند مدرسه نقش مهمی در این فرآیند دارند. امیدواریم نکات این متن به شما کمک کند تا زبان خارجی را بهتر به کودک خود بیاموزید.

منبع: سایت اینترنتی Alison Academy

[/https://www.allisonacademy.com/parents/parenting/foreign-language-teaching-methods](https://www.allisonacademy.com/parents/parenting/foreign-language-teaching-methods)

# نکات ویرایشی

نگارنده: سارا قدیمی، دانشجوی مقطع کارشناسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

زبان، نظامی ساختارمند برای برقراری ارتباط است. ساختار یک زبان عبارت است از دستور زبان، اجزای آزاد آن و واژگان. زبان ابزار اصلی ارتباط انسان‌ها به حساب می‌آید و می‌تواند از راه گفتار، نشانه یا نوشتار، منتقل شود. زبان به دو دسته‌ی نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود که هدف ما در این بخش، بررسی زبان نوشتاری و خطاهای مرسوم آن است. سعی بر این است که در هر نسخه از نشریه‌ی آفاق‌الدوله چند نکته‌ی ویرایشی برای خوانندگان محترم گردآوری شود. خطاهایی که در این شماره، قصد بررسی و اصلاح آن‌ها را داریم به دو بخش زبانی و فنی تقسیم می‌شود. در پایان، تمریناتی قرار داده شده است.

(۱) بخش زبانی

اشتباهات رایج در استفاده از واژه‌های: توسط، به وسیله‌ی، از سوی

۱. الکل توسط رازی در سال ۸۷۰ هجری شمسی کشف شد. (جمله‌ی اشتباه)

رازی، الکل را در سال ۸۷۰ هجری شمسی کشف کرد. (جمله‌ی صحیح)

استفاده از واژه‌ی «توسط» نوعی گرفته‌برداری از زبان انگلیسی است که ساختار جمله‌ها را مجهول می‌کند؛ استفاده از این نوع ساختار در جمله‌های فارسی که فاعل مشخصی دارد، اشتباه است.

۲. از سمت راست، تویی به وسیله‌ی کریم باقری شوت شد. (جمله‌ی اشتباه)

کریم باقری، تویی را از سمت راست شوت کرد. (جمله‌ی صحیح)

۳. از سوی سازمان میراث فرهنگی به جناب آقای میرزایی، هدایایی اهدا شد. (جمله‌ی اشتباه)

سازمان میراث فرهنگی به جناب آقای میرزایی هدایایی اهدا کرد. (جمله‌ی صحیح)

استفاده‌ی اشتباه از واژه‌ی توقف به جای واژه متوقف ساختن

۴. ضرورت توقف حملات مسلحانه به ساکنین شهرهای... (جمله‌ی اشتباه)

ضرورت متوقف ساختن حملات مسلحانه به ساکنین شهرهای... (جمله‌ی صحیح)

استفاده نابه‌جا از را (زائد، بعد از فعل، در جای نامناسب)

۵. کتابی که برایم باارزش بود را به او هدیه دادم. (جمله‌ی اشتباه)

کتابی را که برایم باارزش بود، به او هدیه دادم. (جمله‌ی صحیح)

۶. تا به امروز نتیجه‌ای را حاصل نکرده‌ایم. (جمله‌ی اشتباه)

تا به امروز نتیجه‌ای حاصل نکرده‌ایم. (جمله‌ی صحیح)

(۲) بخش فنی

۷. پسوند «ها» همیشه با فاصله از کلمه‌ی قبلی خود نوشته

می‌شوند. (کتاب‌ها، مدادها،...)

را به جز در چرا و مرا، جدا نوشته می‌شود. (غذا را خوردی؟،...)

نشانه‌های سنجشی تر و ترین همواره جدا نوشته می‌شود. به جز در

بهتر، مهتر، کهنتر، بتر، دوستر. (مهم‌ترین مسأله، مسئولیتی

سنگین‌تر،...)



بی هنگام افزوده شدن به واژه جدا نوشته می شود؛ به جز در بیزار، بیجا، بیخود، بیداد، بیراه، بیگانه. (بی همراه، بی شخصیت،...) به املاهای واژه‌های زیر توجه کنید: (واژه‌های سمت چپ، صحیح است.)

اصطحکاک...اصطحکاک	انشالله...انشاءالله	اظطراری...اضطراری	بحر خیابان...بر خیابان
برگذاری...برگزاری	بلاخره...بالاخره	بارگزاری...بارگذاری	پاچه خواری...پاچه خاری

موارد استفاده از نقطه (.) در جمله:

- در پایان جمله‌های خبری

- نسخه‌ی شماره‌ی 1 نشریه‌ی آفاق الدوله در بهار ۱۴۰۳ منتشر شد.

- در مختصر نویسی اسم‌ها و عنوان‌ها

جناب اروین د. یالوم (جناب اروین دیوید یالوم)

تمرین:

- اگر به خاطر او نبود، گلی خشک می شد، آفتاب طلوع نمی کرد و بچه‌ها توسط نیروهایی که نمی دیدند از بین می رفتند. اما او آنجا

بود؛ گویی از سوی هیچ چیزی، گزندی به او نمی رسید. مرا سرزنش نکنید اگر که بگویم، او زمینی نبود...

- مادر همیشه به خاطر انجام ندادن کارهایم عصبانی می شد اما هرگز مسائلی که در خانه پیش می آمد را به کسی نمی گفت.

هنگامی که پدر بی جا از او بازخواست می کرد، با سکوتی غمگین فقط از پنجره، بیرون را تماشا می کرد.

منبع:

سمیعی گیلانی، احمد. (۱۴۰۱). نگارش و ویرایش. ویراست سوم. انتشارات سمت





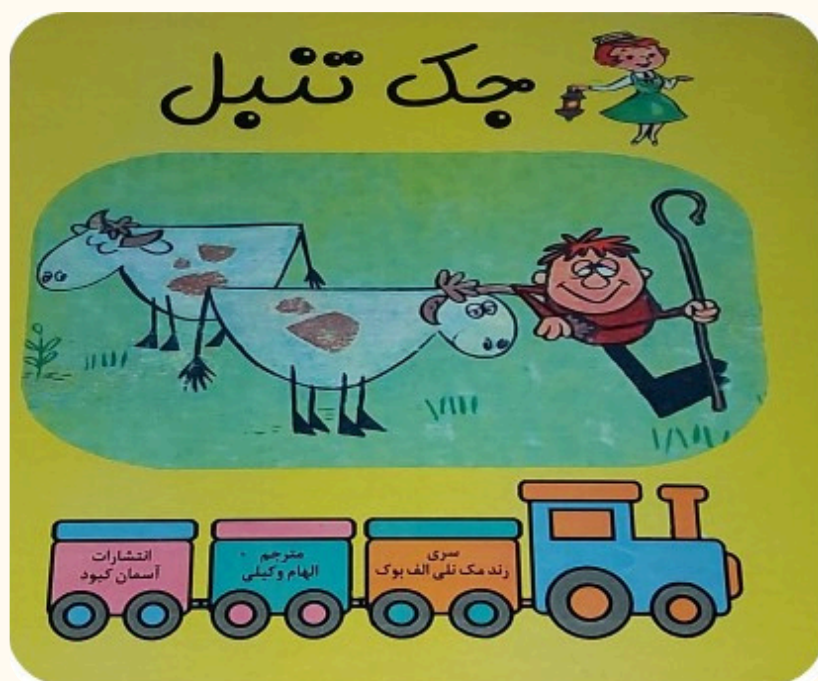
## معرفی کتاب‌های چاپ شده‌ی دانشجویان مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند

کتاب‌هایی که در ذیل معرفی می‌شوند، مربوط به درس پروژه‌ی کارورزی مترجمان در ترم هشت بوده است.



نام کتاب: جک تنبل  
نویسنده: مارچی الن بل  
مترجم: الهام و کیلی  
(دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند)  
نام انتشارات: آسمان کبود  
سال انتشار: ۱۴۰۱

خلاصه‌ی کتاب: جک پسری تنبل است که همراه مادر پیرش زندگی فقیرانه‌ای سپری می‌کنند. او تا به حال کاری انجام نداده و پولی برای خودش به دست نیاورده است. اما سرانجام روزی پس از نصیحت‌های مادرش تصمیم می‌گیرد شغلی پیدا کند اما در این مسیر ماجراهای گوناگونی برای او رخ می‌دهد...



نام کتاب: درس‌های رهایی  
نویسنده: آلیس هافمن  
مترجمان: غزل سلامی، مهدیس توکلی  
(دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند)  
نام انتشارات: آنان  
سال انتشار: ۱۴۰۲



خلاصه‌ی کتاب: درس‌های رهایی کتابی است که نویسنده‌اش، آلیس هافمن، در آن تجربیات شخصی خود را پس از تشخیص سرطان به اشتراک می‌گذارد. این کتاب به شکل مجموعه‌ای از مقالات کوتاه نوشته شده است که در هر یک از آنها، یک درس ارزشمند زندگی به خواننده ارائه می‌شود. هافمن از طریق این مقالات، تجربیات خود را از مبارزه با بیماری و رشد در مقابل مشکلات روزمره با ما به اشتراک می‌گذارد. هر فصل از این کتاب، یک درس مفید را ارائه می‌دهد؛ از یافتن زیبایی در لحظات روزمره تا قدردانی از عشق و حمایت دوستان و خانواده. در این مجموعه داستانی صمیمی و الهام‌بخش، هافمن خوانندگان را به همراهی در سفری از خودشناسی دعوت می‌کند. او از تجربیات خود، همچنین حکمت دیگران، برای مشاوره‌ی عملی و نصیحت‌های صمیمی در مورد چگونه روبه‌رو شدن با مشکلات زندگی با حسن تصمیم به خوانندگان ارائه می‌دهد. (درس‌های رهایی) شهادتی است از ظرفیت روح انسان برای مقاومت و تجدید حیات، که به ما یادآوری می‌کند که حتی در لحظات تاریک زندگی، امید، زیبایی و فرصت برای رشد وجود دارد.

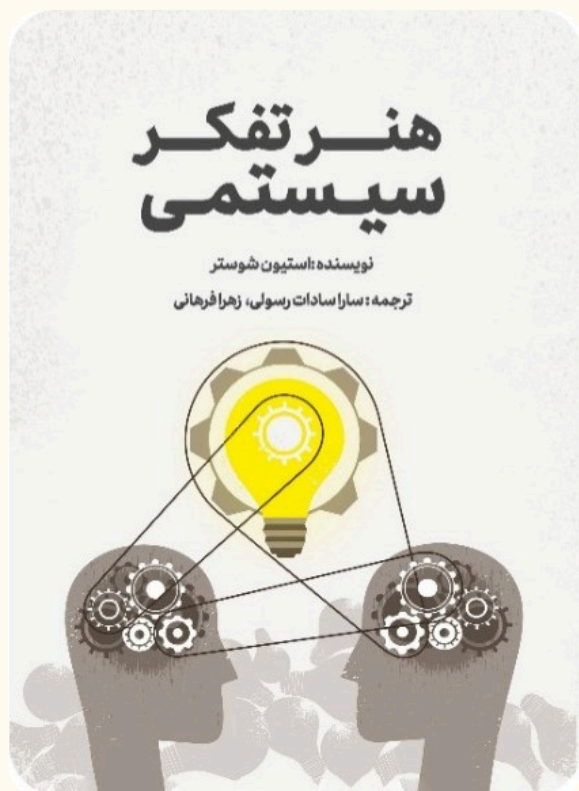
نام کتاب: هنر تفکر سیستمی

نویسنده: استیون شوستر

مترجمان: سارا سادات رسولی، زهرا فرهانی (دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه‌ی آموزش عالی ارشاد دماوند)

نام انتشارات: انتشارات زهره علوی

سال انتشار: ۱۴۰۲



خلاصه‌ی کتاب: همه چیز در دنیای اطراف ما بخشی از یک سیستم است. زندگی‌هایمان قسمت‌های زیادی تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباط هستند. خوب است که دقت و هوشیاری داشته باشیم تا نسبت به تمامی چیزهایی که در ابعاد بزرگ و کوچک بر ما تأثیر می‌گذارند، آگاه باشیم و اقدامات لازم را برای برداشتن موانع از سر راهمان انجام دهیم. تفکر سیستمی چارچوب پشتیبانی است که به ما کمک می‌کند سیستمی بودن اطراف خود را ببینیم و بتوانیم حتی پیچیده‌ترین مسائل را حل و تغییرات مثبتی ایجاد کنیم. استیون شوستر در کتاب «هنر تفکر سیستمی» به بررسی اصول تفکر سیستمی می‌پردازد و عناصر آن را بررسی می‌کند. او در این کتاب تمامی ابزارهای لازم را برای کمک به شما در اعمال تفکر سیستمی در زندگی روزمره و روابطتان فراهم کرده و نشان داده است که چگونه با تغییر نحوه‌ی تفکر تان، این مسیر قابل پیمایش است.

تو واژه به واژه به جهان نور بتابان  
تاج مه آفاق تویی، این هنر توست

در بند بکش تیرگی و ظلمت شب را  
خورشید اگر سر بزند، از شرر توست

شاعر: ندا صالحی